

سرمقاله ...

چرا جنبش سرنگونی خاموشی ناپذیر است؟

منصور امان

چهار ماه پس از کُشتار دهها هزار نفر در جریان اعتراضهای دی، پُرسش در برابر آینده خیزش سرنگونی همچنان بر فراز صحنه سیاسی - اجتماعی ایران معلق است. شوک ناشی از ابعاد هولناک سرکوب و آمادگی حاکمان ج.ا برای ارتکاب جنایت در هر اندازه و با هر پیامد، مساله شکل گیری حرکتها و قیامهای دیگر را اگر نه با تردید که با پیچیدگیهای نظری و روانشناختی روبرو ساخته است. همزمان جنگ ارتجاعی و وضعیت جنگی ناشی از آن، روندهای اعتراضی که بی درنگ پس از کُشتار و به ویژه با مقاومت خانواده های دادخواه و مراسم یادبود شهدای خیزش به جریان افتاده بود را متوقف و به سهم خود به مطرح شدن این ابهام و تقویت آن یاری رسانده است.

تضادها در نقطه تعیین تکلیف

هرگاه نگاه از سطح مقطع کُتونی فراتر رفته و به پروسه های که خیزش دی در نوک آن قرار گرفته نگریسته شود، آنگاه تصویر دیگر و چشم انداز دیگری در افق به چشم خواهد آمد. تناوب خیزشها و جوشش سلسله وار آنها از دل جامعه روشن می کند که نخست، ما نه با رویدادهای گذرا، بلکه با یک فرآیند روبرو هستیم و سپس، شکل گیری منظم آنها معلول محرکهای ثابت ساختاری است که حضور بی گسست آنها، تضاد «پایین» با «بالا» را بدون گسست فعال نگه می دارد. مهمترین مضمون این تضاد، بحران مشروعیت نظم حاکم است. اسلام سیاسی در تمامی خطوطی که به اداره اقتصاد کشور و معیشت توده ها مربوط می شود، شکست خورده و دستاورد آن برای مردم فلاکت و در سوی دیگر به قدرت رساندن یک طبقه فاسد، حریص و رانت خوار بوده است که برای حفظ امتیازاتش از ارتکاب هیچ جنایتی فروگذار نیست. همزمان، روبنای سیاسی - فرهنگی نظم موجود با انتظارات و انگاشتهای اکثریت جامعه از نوع زندگی که طلب می کند و حقوقی که برای خود قائل است، همخوانی ندارد و در ستیز دائمی با آن قرار گرفته است. این بحران تمامی تحولاتی را که در پهنه های گوناگون حیات سیاسی - اجتماعی کشور شکل می گیرد، جهت و معنا داده است و سرچشمه واکنشهایی است که در خلال سه دهه گذشته چه در شکل اعتراضهای صنفی یا خیزشهای توده ای نمود یافته است.

بقیه در صفحه ۳

یادداشت سیاسی ...

«از کوزه همان برون تراود که در اوست»

مهدی سامع

در صفحه ۲



«جنگ افروزی رژیم برای بقا؛

نبرد مردم برای نان، کار، آزادی»

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت اول ماه مه

روز جهانی نیروهای کار، روز پیکار

برای صلح و آزادی

صفحه ۵

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۴۸ تن از زندانیان اعدام شده در

اردیبهشت ۱۴۰۵

صفحه ۱۵

نامه علی یونسی و امیر حسین

مرادی از پشت میله های زندان

صفحه ۸

می نویسیم حتا اگر

آزادی مان به بند کشیده شود

گلرخ ایرایی

صفحه ۲۱

برافراشتن پرچم ساواک؛

تطهیر شکنجه و جنایت

زینت میرهاشمی

صفحه ۶

ترجمه متن سخنان زینت میرهاشمی

در پارلمان فرانسه (سالن ویکتور هوگو)

صفحه ۸

در این شماره می خوانید:

صفحه ۷

چالشهای معلمان - فرنگیس باقره

صفحه ۹

دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد

صفحه ۱۱

جنبش رنگین کمان بیشماران - پویا رضوانی

صفحه ۱۳

رویدادهای هنری ماه

صفحه ۱۶

زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری

صفحه ۱۹

به یاد نسرین عزیزم - زینت میرهاشمی

صفحه ۲۰

یادواره / فدایی شهید رفیق حسن نیک داوودی - امیر ابراهیمی

صفحه ۲۰

شهیدان فدایی در خرداد ماه

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی ...

«از کوزه همان برون تراود که در اوست»

مهدی سامع

مرور گوشه ای از آن چه در درون شاکله قدرت می گذرد، این ادعا را ثابت می کند.

*روز یکشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۵، رسانه حکومتی آرمان ملی نوشت: «برخی افراد و جریاناتی که در حالت عادی حرف و سخن شان خریدار ندارد، به دنبال فضایی هستند تا از آن فضا برای طرح اهداف و منویات خود استفاده کنند... اظهارات اختلاف افکن و تضعیف و تخریب مسئولان و شخصیتها در برخی تجمعات شبانه به حدی بوده که برخی چهره های سیاسی و مداحان نیز به آن واکنش نشان دادند.»

*روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۵، آخوند محمد باقر خرازی، دبیرکل حزب الله ایران و مدیرمسئول روزنامه حکومتی حزب الله، در پیامی در شبکه اجتماعی ویراستی، نوشت: «خیلی صریح و بدون رودربایستی نسبت به آقای عراقچی کاملاً مشکوک هستیم. به خصوص نه تنها به جهت این که پس از ملاقات ایشان با رهبر شهید، مکان رهبری مباران شد و نه تنها به دلیل اصرار شدید اخیراً ایشان جهت ملاقات با رهبر کنونی که علیرغم اصرار ایشان رهبری اجازه ملاقات به ایشان را نداده است، که نسبت به تلاشهای نوشتاری و رفتار ایشان در جدا کردن ترامپ قاتل و جانی از اسرائیل و بی توجهی به جنگ و درگیریها، اگر مذاکرات کنونی به وادادگی همانند برجام تبدیل شود، در ایجاد اعتراضات خیابانی و ویران کردن وزارت خارجه و دولت پزشکیان لحظه ای تردید نخواهیم کرد.» این گفته آخوند خرازی آن چنان رسوا کننده بود که خبرگزاری سپاه پاسداران آن را از صفحه خود حذف کرد.

*محمود واعظی، رئیس دفتر سیاسی حزب اعتدال و توسعه پیرامون نقش مجتبی خامنه ای در مذاکرات با آمریکا می گوید: «تندروها با مذاکراتی که به تأیید رهبری رسیده مخالفت می کنند، به گمان من این واکنشهای سلبی پدیده تازه ای نیست و سابقه ای طولانی در عرصه سیاسی کشور دارد.» (خبرآنلاین، دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵)

*آخوند مهدوی نژاد مسئول هیات انصار ولایت دارلعباده یزد به نقش تعیین کننده ولی فقیه سوم می پردازد و تأکید می کند که «هرگز رهبری اجازه نمی دادند برای مذاکرات آتش بس.» (تلویزیون حکومتی شبکه سه، سه شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵)

وی بدون نام بردن از آخوند محمد باقر خرازی، به ادعاهای او این گونه پاسخ می دهد: «بعضیها می آیند از آن طرف بام می افتند متهم کردن به خیانت مسئولین آن هم مسئولین درجه یک نظام فلانی خائن است فلانی خائن است فلانی خواسته برود راهش ندادند، پس خائن است فلانی آن روز از آنجا آمده بیرون بعد آنجا را زدند این نفوذی است.» (همان جا)

در همین مصاحبه تلویزیونی آخوند مهدوی نژاد از سخنانی که درون هرم قدرت تفرقه ایجاد می کند انتقاد کرده و می گوید: «بعضی از تحلیلگرها هم متأسفانه امروز دامن می زنند به شقاق بین مردم [بخوانید بسیجیها] با متهم کردن همدیگر و بی اعتماد کردن مردم [بخوانید بسیجیها] به ارکان بالاشان بی اعتماد کردن مردم نسبت به مسئولین... موضع غلط تحلیل غلط شعار غلط امروز آن چیزی است که ممکن است آب به آسیاب دشمن بریزد امروز خطرناک ترین مساله برادران و خواهران ایجاد اختلاف بین مردم [بخوانید بسیجیها] و مردم [بخوانید بسیجیها] و مردم [بخوانید بسیجیها] و مسئولین با جنگ روانی که دشمن راه انداخته... یک عده این شرایط را با روایتها غلط برعکس جلوه می دهند جوری که رهبری مثلاً تحت فشار هستند برای مذاکره تحت فشار هستند برای آتش بس این زیر سؤال بردن و تضعیف رهبری است پس متهم کردن به خیانت هم امروز یک شیق از آن اختلاف افکنی است و جایز نیست و خلاف امر رهبری است...»

*روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵، رسانه حکومتی تابناک به نقل از رجانویز متعلق به باند پایداری نوشت: «در تکراری تلخ از یک مسیر شکست خورده، مسعود پزشکیان بار دیگر با طرح سوال انحرافی "گفت و گو نکنیم؛ چه کنیم؟" به تربیون جریان غربگرا تبدیل شده است. این دقیقاً همان نسخه ای است که پس از "دفاع مقدس دوم" و بمباران میز مذاکره توسط دشمن نیز از سوی وی تکرار و با استقبال روزنامه هم میهن مواجه شد؛ مذاکره ای که انتهایش باز بقیه در صفحه ۴



پس از انتشار مقاله «ولی فقیه سوم "لُخت" نیست!»، شماری از خوانندگان ماهنامه نبردخلق این پرسش را مطرح کردند که: بر اساس کدام اطلاعات نتیجه گیری شده که ولی فقیه سوم وجود دارد و یا اگر وجود دارد نقش واقعی در قدرت دارد؟ پاسخ من به عنوان نویسنده آن مقاله بر بنیاد تحلیل و نه اطلاعات مشخص، بود. اگر نظام «ولایت مطلقه فقیه» واقعیت داشته باشد، نمی تواند بدون «ولی امر» به موجودیتش ادامه دهد. این که کارگزاران حکومت از بالا تا پایین دروغگو هستند، تردید ناپذیر است. اما در مورد راس هرم قدرت نمی توان با دروغ، مساله مهم ولی فقیه را به ویژه در شرایط بحران همه جانبه، لاپوشانی کرد. در حقیقت نقش ولی فقیه آنگونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی تعیین شده، بسیار گسترده تر از آن است که به توان آن را با ظاهرسازی بی محتوا، کاهش داد.

راست این است که سپاه پاسداران نقش مهمی در ساختار نظام دارد، اما این نقش با کشته شدن ولی فقیه دوم آفریده نشده و از دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در عرصه اقتصادی شروع و در دوران احمدی نژاد از نقطه عطف عبور کرد و با به قدرت رسیدن رئیسی به اوج رسید. در تمامی این دورانها، ولی فقیه نقش سرکردگی در شاکله قدرت داشت و مهمتر این که ولی فقیه کنونی در آن شرایط نقش هماهنگ کننده ارگانهای نظامی و امنیتی در نهاد ولایت فقیه داشته است.

بنابراین ولی فقیه سوم گرچه یکسویه درجه «آیت الله» را کسب کرد و گرچه گفته شده که مجروح و در حال مداوا است، ولی افسار قدرت را در دست دارد و در سه حوزه مناسبات با مردم، با کشورهای دیگر و با کُنشهای داخل هرم قدرت نقش تنظیم کننده و تصمیم گیرنده نهایی دارد. پیرامون انتخاب ولی فقیه سوم، آخوند محسن اراکی، عضو مجلس خبرگان نظام، آن را «یک معجزه الهی» اعلام کرد و اضافه نمود که «ما در متن فرآیند انتخاب، دست هدایت امام زمان(عج) را به وضوح مشاهده کردیم.» (رسانه حکومتی مهر، دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۵)

وی در باره «اجماع لازم» برای این انتخاب گفت: «ایشان با اکثریت قاطع آرای مجلس خبرگان انتخاب شدند؛ در حالی که شخصیتهای برجسته و مهم دیگری نیز مطرح بودند... و عمر کسانی که در داخل کشور در عرصه های سیاسی، اقتصادی و رسانه ای با دشمن همراهی می کنند نیز به پایان رسیده است.» (همان جا)

روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت رسانه حکومتی تسنیم، وابسته به نیروی تروریستی قدس از «شرفیایی» سرلشکر پاسدار علی عبداللهی، سرکرده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا «به محضر» سرکرده کل قوای (مجتبی خامنه ای) خبر داد. در این دیدار پاسدار عبداللهی «تبعیت کامل از فرامین» ولی فقیه سوم «تا پای جان و تا آخرین نفس» را به اطلاع مجتبی خامنه ای رساند.

روایت شاهدان

یکی از مهمترین نقشهای «عمود» خیمه نظام، تنظیم مسالمت آمیز مناسبات میان دسته بندیها و باندهای تشکیل دهنده هرم قدرت و پیرامون آن است. اگر امروز تضادها و چالشهای درونی هرم قدرت به شکل مسالمت آمیز کنترل می شود، به خاطر وجود یک «تیرک»، هرچند ضعیف و صدمه دیده، است. وقتی شیها در گردهماییهای حکومتی، مداحان شعار «هرجا ترامپ تر می زنه، ظریف میاد زر می زنه» و یا شعار علیه پزشکیان و قالیباف سر می دهند، این ولی فقیه است که می تواند به مداحان پوزه بند بزند.



اشتغال دارند. وزیر مربوطه همچنین مصلحت ندیده به رقم بسیار بزرگتری از کارورزانی که مشاغل آنها وابسته به حوزه‌های اشتغال یاد شده است و بیکار شده و یا در آستانه بیکاری قرار گرفته‌اند، اشاره کند.

به این ترتیب حاکمیت یک محور دائمی تضاد با جامعه را که در حوزه معیشت شکل گرفته، به یکباره چندین پله از نظر وزن اقتصادی و گستره اجتماعی فراز داده و در پی آن حتی آن دسته از کارورزانی که تاکنون در صف لشکر ناراضیان قرار نداشتند را به سمت آن هدایت کرده است. بنابراین پرسش این است که چه عواملی دستگاه حاکم را ناچار ساخته به راهکاری متوسل شود که در جوهره خودغرضانه است و بیش از آن که به استراتژی امنیتی‌اش یاری رساند، بدان آسیب می‌زند؟

باید توجه داشت که مهار و سرکوب در حوزه اینترنت همواره بخش اصلی استراتژی سرکوب بوده است و به همین اعتبار حاکمیت به‌گونه پیوسته با شدت و تمرکز بالا به جنگ آن با سانسور، جاسوسی، فیلتریزه کردن، کاهش پهنای باند، پیگرد کاربران و جز آن رفته است. از این رو انتقال از این ابزارهای کلاسیک و تراز رژیمهای استبدادی به یک سلاح نامتعارف گویای ناکارآمدی بی‌اثر بودن آنها در برابر ابعاد تهدیدی است که حاکمیت خود را با آن روبرو می‌بیند. از چشم آن، ابعاد این خطر چنان جدی و بی‌واسطه است که حتی توسل به راهکارهای سرکوبگرانه‌ای را موجه جلوه می‌دهد که خسارت امنیتی‌شان در میان و بلندمدت به‌مراتب بیش از سود کوتاه‌مدت‌شان است.

حذف دیجیتال زحمتکشان

اگر هنوز کسی انگیزه سیاسی قطع اینترنت و نیروی اجتماعی که هدف گرفته را دریافته، دو پروژه حاکمیت برای حفظ قطع اینترنت برای عموم و در دسترس قرار دادن آن برای گروههای دست‌چین شده صنفی می‌تواند آگاه‌گرانه باشد. اگر خاموشی عام دیجیتال می‌توانست هدف اصلی از این حرکت یعنی خاموش نگاه داشتن طبقات اجتماعی مشخصی را در لابه‌لای همه‌گیری سرکوب پنهان سازد، اما با تفکیک طبقاتی و مستثنی کردن اقشار و گروههای معین، حاکمیت از جهتگیری سیاسی اقدام خود و نیز سوژه حساسیت امنیتی‌اش شفاف‌سازی کرد.

بر این اساس حاکمان ج.ا امکان دسترسی پایش شده به اینترنت را برای «صنوف حساس» فراهم آورده‌اند. برخی از صنفهایی که در کادر این تصمیم جای داده شده‌اند عبارتند از پزشکان، وکلا، اعضای اتاق بازرگانی، بعضی اصناف دارای مجوز رسمی، کارکنان نهادهای مشخص و خبرنگاران. لازم به یادآوری است که این گوشه‌چشم غیرمشرط نیست، بدین گونه که برگزیدگان را حاکمیت خود تعیین می‌کند و سپس، در این صف قرار گرفتن رایگان هم نیست و استفاده‌کنندگان باید برای فعال‌سازی اولیه بین ۲ تا ۲۸ میلیون تومان و برای هر گیگابایت اضافه بر بسته خریداری شده، مبلغی بین ۸ تا ۴۰ هزار تومان (برحسب بازدید داخلی یا بین‌المللی) بپردازند. به این ترتیب هزینه سالانه در کمترین حالت و در صورت ثابت ماندن قیمت، سر به ۳۲ میلیون تومان خواهد زد.

روشن است که اکثریت جامعه که در جدال بقا روزگار می‌گذرانند، تورم دو و سه‌رقمی به حقوق و دستمزدش پوزخند می‌زند و اقلام ساده سقره برایش به کالای لوکس تبدیل شده، حتی اگر مجوز حکومتی هم دریافت کند، توانایی شانه بردن زیر بار این هزینه را نخواهد داشت. کارگران و کارمندان عادی، دانشجویان و دانش‌آموزان، بازنشستگان، زحمتکشان بخش خدمات و مشاغل خانگی، زنان خانه‌دار و افراد محروم از کار، صاحبان کسب‌وکارهای خرد و جز آنها، اقشار و طبقاتی هستند که حاکمیت آنها را بیرون از پروژه‌اش نگاه داشته است. و چه تصادفی! این بخش بزرگ جامعه نیروی اصلی جنبشهای اعتراضی و سرنگونی را تشکیل می‌دهد، مطالبات دموکراتیک و عدالتخواهانه‌اش بنیانهای استبداد مذهبی را به لرزه درآورد و توانایی بالقوه آن برای به انجام رساندن و برآوردن آنها، کابوس خواب و بیداری حاکمان ج.ا است. از همین رو نیز بیشترین فشار و سرکوب حکومتی نیز علیه این بخش به جریان می‌افتد.

بقیه در صفحه ۴

چرا جنبش سرنگونی خاموشی‌ناپذیر است؟

بقیه از صفحه ۱

مناسبات قهری ایجاد شده بین این دو قطب، همگام با سالهایی که پشت‌سر گذاشته، به‌گونه فزاینده تشدید شده است. این پدیده را می‌توان از یکسو در رشد ابعاد جمعیتی و جغرافیایی خیزشها و کوتاه شده توالی آنها و در سوی دیگر با افسارگسیختگی حاکمیت در روبرویی با آنها مشاهده کرد. معنای دیگر این ترکیب، برگشت‌ناپذیر بودن تضاد و قرار داشتن آن در نقطه تعیین تکلیف است. پرسش مرحله کنونی که تضاد به سمت پاسخ به آن در حرکت است، بود یا نبود یکی از دو قطب آن است.

ادامه سرکوب

یک درجه‌سنج ساده از پتانسیل جنبش سرنگونی و نقطه‌ای که در آن قرار دارد، شرایطی است که آنتی‌تز جنبش خود را در آن تصور می‌کند، برایش مهیا شده و آرایش گرفته. درحالی که پندار ابتدایی از سرکوب خیزش در دی ماه می‌تواند این باشد که دستگاه حاکم با وارد آوردن ضربه گشتار دسته‌جمعی و فرو بردن جامعه به شوک ناشی از یک فاجعه ملی بیش از هر زمان دیگری خود را از جانب نیروی اجتماعی سرنگونی‌ایمن احساس می‌کند، اما نگاهی به رویکردهای افسارگسیخته امنیتی حاکمیت از آن هنگام تاکنون به‌کلی خلاف این را نشان می‌دهد. قطع یکسره اینترنت فقط یکی از این رویکردهاست که حاکمیت از موضع دفاعی بدان پناه برده است.

زمان کوتاهی پس از موج اول قطع نسبی اینترنت در دی ماه، در اسفند حاکمیت دوباره دست به قطع اینترنت و این بار خاموشی کامل آن زد که تاکنون ادامه دارد و به آستانه چهارمین ماه نزدیک می‌شود. توجیه رسمی، «ملاحظات امنیتی در شرایط جنگ» و جلوگیری از «درز اطلاعات به دشمن» است. از آنجا که تدبیر حاکمیت برای مقابله با این تهدید فرضی به طور عام و بدون تمایز اعمال می‌شود، بنابراین در جوهره خود به‌گونه مضحکی مظنون شمردن یک جمعیت ۹۰ و اندی میلیونی را فرض دارد. روشن است که سرچشمه چنین افسانه‌های انبان خالی حاکمان ج.ا است که پیشینه طولانی و رسوایی در تحریم مردم ایران و قطع دسترسی به اینترنت دارند. حاکمیت جنگ را در این پهنه نیز به کمک گرفت و به‌طور ناکامی کوشید زیر پوشش آن انگیزه‌های سرکوبگرانه خود را پنهان سازد.

اینترنت هم به‌دلیل کارکرد رسانه‌ای و آگاه‌گرانه آن و هم به‌دلیل مکانیزمهای سازمانیابی و بسیج اجتماعی‌اش، یک تهدید جدی برای رژیم محسوب می‌شود که درگیر جنگ خارجی است و هم‌زمان یک جبهه جنگ داخلی با توده‌های ناراضی و سربه‌شورش برداشته را نیز در برابر دارد. از دی ماه ۹۶ که اعتراضهای توده‌ای به نقطه بلوغ جدیدی رسید، رژیم ج.ا در وضعیت اضطراری بسر می‌برد؛ وضعیتی که خیزشهای سلسله‌وار بعدی آن را تشدید کرده و حاکمیت را بیشتر و بیشتر به موضع دفاعی رانده است. تدبیرهای امنیتی و پلیسی آن در این روند، از همین موضع رنگ و ویژگی می‌گیرند و ناکارآمدی آنها در پیشگیری از خیزشهای بعدی یا عقب راندن قطعی جامعه متعرض، حاکمیت را مشوش‌تر و راهکارهایش را نامتعارف‌تر می‌کند. این معادله در قطع چند ماهه اینترنت به روشنی خود را نشان می‌دهد.

جبهه سراسری

حاکمیت با روی آوردن به آخرین راه‌حل ممکن برای کنترل اینترنت، یعنی قطع سراسری و طولانی آن، به همان گونه که سرکوب دیجیتال را فراگیر کرد، پیامدهای اجتماعی آن را نیز عمومی و سراسری کرد. برای درک میزان پوشش و گستردگی اینترنت در ایران نگاه به گزارش DataReportal، یک منبع شناخته شده آمار و داده‌های دیجیتال در سطح جهان، می‌تواند مفید باشد. بر اساس این گزارش، در آغاز سال ۲۰۲۵ تعداد کاربران اینترنت در ایران به ۷۳.۲ میلیون نفر رسیده که این رقم معادل ۷۹.۶ درصد جمعیت کشور است. لازم به گفتن نیست که این تعداد به‌گونه روزانه و لحظه‌ای از اینترنت برای کار، آموزش، تحقیقات، کسب اطلاعات، ارتباطات، سرگرمی و جز آن بهره می‌برند. بنابراین حاکمان ج.ا با این گام، تیغ سرکوب را به سوی این بخش عظیم جمعیت گرفته و آنها را به چالش با خود برانگیخته‌اند. در این رابطه به‌گونه مشخص می‌توان به بازار کار اشاره کرد که تاثیر این اقدام - تا اندازه‌ای که رقم‌سازی حکومتی اجازه می‌دهد - در آمار و ارقام رسمی بازتاب یافته است.

غلامحسین محمدی، معاون وزیر کار، خبر می‌دهد که قطع اینترنت و جنگ منجر به از دست رفتن بیش از یک میلیون شغل و بیکاری مستقیم و غیرمستقیم دو میلیون نفر شده است. از سوی دیگر، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، ستار هاشمی، نیز ادامه قطع اینترنت را تهدید مستقیم اشتغال برای حدود ۱۰ میلیون نفر برآورد کرده است. اگرچه وی از این مشاغل نام نبرده اما روشن است که بیشترین تعداد این ۱۰ میلیون کارورز در کسب‌وکارهای آنلاین، فروشگاهها، پلتفرمهای خدماتی، تولیدکنندگان محتوا و مشاغل خانگی وابسته به اینترنت

«از کوزه همان برون تراود که در اوست»

بقیه از صفحه ۲

هم به حمله دشمن ختم گردید. این دور باطل "مذاکره- جنگ" و اصرار بر گفت و گو با دشمنی که منطقی جز زور نمی فهمد، نشان می دهد گویا نهیب موشکها هم برای بیدار کردن ذهنهای ساده اندیشی که به لایایی مذاکره دل خوش کرده اند، کافی نیست.»

*در همین روز خبرآنلاین به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: «اینکه عده ای چنان سخن بگویند که گویی تنها راه مواجهه با آمریکا، جنگ مستقیم و بی پایان است و حتی شنیدن واژه "مذاکره" را هم تاب نیاورند، بیش از آنکه نشانه انقلابیگری باشد، علامت گرفتار شدن در نوعی رادیکالیسم بی پشتوانه است.»

از این نمونه ها بسیار است و روزانه در رسانه های حکومتی پوشش داده می شود و واقعیتهای نظام ولایت فقیه را نشان می دهد. هم وجود تیرک نظام و هم چالشها و تضادهای درونی شاکله قدرت، واقعیت نظام ولایت فقیه است و در شرایط کنونی مجتبی خامنه ای قیای مندرس ولی فقیه را بر تن کرده است.

همین جا تاکید کنم که اگر این تحلیل اشتباه باشد و قدرت حاکم از نظام ولایت فقیه با حمله آمریکا و اسرائیل عبور کرده باشد، با فروکش کردن فضای جنگی، اسرار ناگفته بسیار از درون حکومت تغییر یافته (رژیم پنچ) برملا خواهد شد که به گمانم امر مبارکی خواهد بود.

*تصویر استفاده شده برای این یادداشت، از رادیو فردا است.

چرا جنبش سرنگونی خاموشی ناپذیر است؟

بقیه از صفحه ۳

برآمد

استبداد مذهبی حاکم در هیچ دوره ای از حیاتش ثبات پایدار نداشته و در کشاکش دائمی با بخشهای گوناگون جامعه قرار داشته است. در همان حال که ریشه های ساختاری تضاد «بالا» و «پایین» با جبراً مانده اند، اعتراض، نافرمانی، شورش و قیام به زبان گویای جامعه برای مطالبه ی برچیدن و حذف آنها از زندگی و سرنوشت خویش بدل گردیده. این واقعیت را روند پیوسته ی برآشوبی توده ها بر وضع موجود نشان می دهد، استمرار خیزشها و اعتراضات صنفی سازمانگرا آشکار ساخته که صفآراییهای جامعه نه حوادث مقطعی هستند و نه رفتار واکنشی به این یا آن سیاست و تصمیم حاکمیت، بلکه یک کُنش مسلط اجتماعی را بازتاب می دهند که از دل حرکت در امتداد مسیر انقلاب و سرنگونی زاده شده است. جنگ ارتجاعی - همانگونه که دیده می شود - نه تنها نتوانسته با خرافات ترویجی معمول حاکمان مانند ناسیونالیسم، وحدت ملی در برابر دشمن خارجی و تقدیس خاک جامعه را تخدیر کند، بلکه فشارهای اقتصادی و نیز سرکوبگرانه ناشی از آن، شکافهای گذشته را عمیق تر کرده است. از میان دود و آتش جنگ، طلبه خیزش بعدی پیداست.

جنگ افروزی رژیم برای بقا؛ نبرد مردم برای نان، کار، آزادی

زینت میرهاشمی



می دهد حق مسکن تنها حدود ۱۰ درصد هزینه اجاره را پوشش می دهد.

اما فاجعه فقط به این جا ختم نمی شود. دریافتی بسیاری از کارگران مشمول قانون کار و حداقل بگیر حدود ۲۴ میلیون تومان در ماه است؛ یعنی یک کارگر برای پرداخت اجاره خانه باید دست کم ۶ میلیون تومان بیش از کل دریافتی ماهانه خود تأمین کند تا فقط بتواند اجاره مسکن را بپردازد. این در حالی است که میلیونها کارگر بیکار در ایران نه تحت پوشش بیمه های تأمین اجتماعی هستند و نه از حداقل درآمد برخوردارند.

بر اساس آمارهای رسمی، تنها در یک روز دست کم پنج تجمع اعتراضی از سوی بازنشستگان و کارگران برگزار شد. همچنین کارگران شرکت پتروشیمی پتروناد در اعتراض به اخراج ۲۰۰

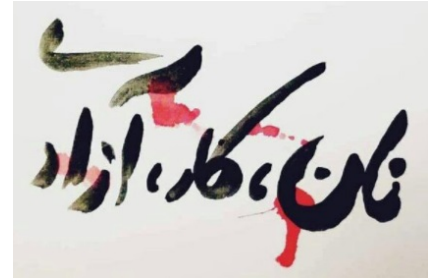


کارگر بومی تجمع کردند (ایلنا، ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵). این اعتراضها در مجموعه اخبار جنبشهای کارگری و اجتماعی در شماره نبردخلق ۵۰۲ ثبت خواهد شد.

از سوی دیگر، آمارهای رسمی از ثبت نام ۲۰۵ هزار نفر جدید برای دریافت بیمه بیکاری حکایت دارد؛ آماري که تنها شامل کارگران دارای قرارداد رسمی است و بخش بزرگی از نیروی کار فاقد قرارداد را در بر نمی گیرد.

در همین حال، سیاستهای اقتصادی اخیر مانند حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی و وعده های ناکارآمد کالابری الکترونیکی، فشار معیشتی را تشدید کرده است. با وجود تورم بالای مواد خوراکی و کاهش مستمر قدرت خرید، این ابزارها عملاً توان جبران هزینه های زندگی را ندارند. شکاف میان حداقل دستمزد و سبد معیشت کارگری به روشنی نشان دهنده عمق بحران است.

وعده متناسب سازی کالابری با تورم هر سه ماه یک بار هم مانند تغییر حداقل حقوق در نیمه سال هیچگاه عملی نشد. بر اساس داده های آماری نرخ تورم بر مواد خوراکی بیش از ۷۰ درصد است. بر اساس گزارشهای شهروندان سبد معیشت خانوار کارگری بیش از ۷۰ میلیون تومان ارزیابی می شود، در حالی که حداقل مزد برای سال ۱۴۰۵ شانزده میلیون و ۶۰۰ هزار تومان با همه مزایای شغلی است. وقتی افزایش حقوق ۶۰ درصدی در ۴۵ روز حباب می شود، یعنی تورم افسار گسیخته است.



با وجود ادعای پیروزیهای دروغین در جنگ و تلاش حکومت برای تسخیر خیابان و از جمله برپایی مراسمهای نمایشی و صحنه سازیهای تبلیغاتی، واقعیت اجتماعی در مسیر دیگری جریان دارد. نمایشهایی که در آن با ابزارهای تبلیغاتی و صحنه آرایه های پرزرق و برق، تصویری مصنوعی از انسجام و پیروزی ارائه می شود، اما در بطن جامعه، اعتراض و نارضایتی رو به گسترش است.

یادآوری شعار بازنشستگان و نیروهای کار در حرکتهای اعتراضی شان به جا است؛ آنجا که در کف خیابان، در برابر جاه طلبیها و سیاستهای ویرانگر حکومت، فریاد می زنند: «زندگی حق مسلم ماست». اما حکومتی که با جنگ طلبی، رؤیای دستیابی به سلاح هسته ای، و تنش آفرینی، کشور را در معرض بحرانهای فزاینده قرار داده، عملاً زندگی را از مردم سلب کرده است.

در همین شرایط، اعتراض کارگران و بازنشستگان ادامه دارد؛ گروههایی که از نمایشهای حکومتی سهمی ندارند و با بحران معیشت، کاهش قدرت خرید، گرانی دارو و فشار سنگین اجاره خانه مواجه اند. آنان نه حامی جنگ اند و نه هم صدا با شعارهای جنگ افروزان، بلکه خواهان ابتدایی ترین حقوق خود یعنی نان، کار، مسکن و آزادی هستند.

در سطح کلان، سیاستهای رژیم برای تأمین هزینه های سنگین نظامی و هسته ای، با تشدید تنشهای منطقه ای و اقداماتی مانند فشار بر کشتیرانی و تهدید مسیرهای تجاری در تنگه هرمز همراه است. این رویکرد بخشی از سازوکار بقای سیاسی و اقتصادی نظام در شرایط بحران است.

در همین چارچوب، منابع عمومی و حتی اموال غارت شده نیز به جای بازگشت به چرخه شفاف و عمومی اقتصاد، در میان شبکه های رانتی و کاسبان تحریم توزیع می شود؛ روندی که مانع هرگونه بهبود پایدار در وضعیت معیشتی مردم است.

از بحران سلامت و پیامدهای روانی تنشهای جنگی که بگذریم، بحران اقتصادی و معیشتی با شدت بیشتری ادامه دارد: تورم بالا، کاهش ارزش دستمزدها، فاصله عمیق با خط فقر، وضعیت بحرانی بازنشستگان، تعطیلی کسب و کارها و افزایش بیکاری، نشانه های آشکار این وضعیت اند.

بر اساس آمارهای دولتی ۸ میلیون خانوار مستأجر در ایران وجود دارند که اکثریت آنان را کارگران تشکیل می دهند. مجموع دریافتی یک کارگر مجرد بدون فرزند در سال ۱۴۰۵ حدود ۲۲ میلیون تومان و دریافتی یک کارگر متأهل با یک فرزند حدود ۲۴ میلیون تومان است. به گزارش تلگرام «گروه اتحاد بازنشستگان حق مسکن کارگران مبلغ ۳ میلیون تومان تعیین شده است. این در حالی است که متوسط اجاره بیهای مسکن در شهر تهران ماهانه حدود ۳۰ میلیون تومان برآورد می شود؛ رقمی که نشان

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی نیروهای کار، روز پیکار برای صلح و آزادی



و مناسب، نبود خدمات رفاهی، اعتراض به دزدی و غارت و چپاول، تبعیض و نابرابریها، به خیابان آمدند.

ترازنامه یک سال کنش اعتراضی نیروهای کار

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ترازنامه ۳۷۰۴ کنش اعتراضی نیروهای کار، صدها قیام توده ای و گردهمایی در مزار شهیدان در سال ۱۴۰۴ را منتشر کرده است. (*) ما همچنین ترازنامه دستکم ۱۱۸ اعتصاب، تحصن، تجمع و برخی از بیانیه های صادر شده از طرف دانشجویان و اساتید کشور، از یک آذر ۱۴۰۳ تا یک آذر ۱۴۰۴، را منتشر کرده ایم. (**)

هیولای جنگ

در حالی که کمر کارگران و مزدبگیران زیر سنگینی شرایط «عادی» کار و زندگی در رژیم ولایت فقیه خم شده است، ضربه مهیب جنگ می رود تا نفس آنها را هم ببرد. تهاجم و تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران تاثیر مخربی بر زندگی، معیشت و کنش اعتراضی نیروهای کار گذاشته و خروجی آن ظهور مشکلات جدیدی است که ابعاد آن از یک بحران کوتاه مدت فراتر می رود. سیاستهای ضدردمی حاکمان جمهوری اسلامی همانگونه که کشور را به گرداب جنگ انداخت، در بی‌اعتنایی به پیامدهای اقتصادی جنگ و بی‌تدبیری در مدیریت آثار اجتماعی آن تداوم پیدا کرده است. نخستین تاثیر فوری و ویرانگر جنگ ارتجاعی در بازار کار خود را نشان می‌دهد. آمار دستکاری شده رسمی از نابودی صدها هزار شغل خبر می‌دهد. تخریب واحدهای تولیدی از یکطرف و رکود ناشی از گرانی و نبود مواد اولیه یا بازار فروش هر روز جمع بیشتری را به انبوه بیکار شده‌ها اضافه می‌کند. به موازات آن، هیچ چتر حمایتی دولتی نیز در شرایط جنگ وجود ندارد و این امر برای اکثریت کارگران که غیررسمی هستند و از بیمه بیکاری و درمان بهره‌ای ندارند، به معنای افتادن در تله گرسنگی، بی‌خانمانی و محرومیت مطلق است. در سایه بی‌حقوقی و بی‌پناهی کارگران، کارفرمایان با سواستفاده از شرایط جنگی، از پرداخت دستمزد کارگران خودداری می‌کنند یا با وعده پرداخت در ماههای بعد آنها را دست بسر می‌کنند.

بقیه در صفحه ۶

کشاورزان، دانشجویان، جوانان جویای کار، کامیونداران، دستفروشان، کسبه و اصناف، کنشگران حفاظت از محیط زیست و غارت شدگان ادامه پیدا کرد. از روز یکشنبه ۷ دی تا یکشنبه ۲۱ دی، یک بار دیگر مردم سلحشور ایران خیابانها را فتح کردند تا تفر و انزجار خود از ضحاک خون آشام زمان را با عالی ترین شکل نشان دهند. میلیونها شهروند ایرانی، به ویژه فرودستان، با پرچم آزادی و عدالت به میدان آمدند تا انقلاب و دموکراسی را تمرین کنند. توده های جان به لب آمده در صدها شهر در تمام استانهای کشور، خشم و نفرت خود را در بیش از هزار تجمع، راهپیمایی و تهاجم به مراکز ارتجاع، خرافات و سرکوب، نشان دادند. در جنبش انقلابی دی ماه بسیاری از نیروهای کار (کارگران، معلمان، پرستاران، رانندگان، کارمندان، دستفروشان، فروشندگان، بیکاران و دیگر مزدبگیران) با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر به قتل رسیدند. اینان شهیدان جاویدنامند که برای رهایی از ستم و استثمار قیام کردند.

کنشهای اعتراضی نیروهای کار

شکاف کلان میان درآمد و هزینه شهروندان از یک طرف و غارت سفره و جیب تهیدستان از جانب فرادستان از طرف دیگر، جامعه و کشور را به ویرانی و فروپاشی کشانده است. در واکنش به این شرایط در سال گذشته کارگران، مزدبگیران، کشاورزان، معلمان، پرستاران، دانشجویان، بازنشستگان، مدافعان محیط زیست، اصناف، دستفروشان، کولبران، مالباختگان و جوانان جویای کار برای رهایی از فقر و بیکاری، بی‌خانمانی و گرسنگی، استبداد و عقب ماندگی به اشکال گوناگون مبارزه کردند. کنش اعتراضی نیروهای کار به خواسته های صنفی محدود نشده و دارای جهت گیری سیاسی و اجتماعی هم هست. بسیاری از این شعارها از جمله «زندانی سیاسی زندانی آزاد باید گردد»، «نه مجلس نه دولت نیستن به فکر ملت»، «دشمن ما همین جاست...» و... جهتگیری ضد رژیم دارد. در اولین ماه سال گذشته به خاطر زاینده‌رود تشنه، کشاورزان شرق و غرب اصفهان برای دستیابی به حقابه، که حق مسلم آنان است، همراه با خانواده های خود حرکتی اعتراضی گسترده ای انجام دادند.

کنشهای اعتراضی نانوایان به پرداخت نشدن یارانه نانواپهها، کارکرد سامانه «نانینو»، هزینه های سنگین، درآمد پایین و... است. با این شرایط معیشت بیش از دو میلیون و پانصد هزار خانواده نانواپی در خطر جدی و نابودی کامل است. در سال گذشته کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی بارها برای تحقق خواسته های شان دست به تجمع و اعتصاب زدند. سال گذشته شاهد اعتصاب سراسری کامیونداران بود که از روز اول خرداد شروع و تا روز ۱۱ خرداد ادامه پیدا کرد و در مجموع ۱۲۲۵ بار، با تکرار شهرها، اعتصاب جریان داشت. حرکتی اعتراضی پرستاران هم در سال گذشته ادامه داشت و همزمان، بازنشستگان کشور نیز خواستار ترمیم مستمریها و ارائه خدمات درمانی مطلوب شدند. آنها بارها در اعتراض به گرانی، تورم، فقر و نداری، حقوقهای ناچیز و نامناسب، نبود رفاه و آسایش و امنیت، نبود امکانات بهداشتی، درمانی رایگان

اول ماه مه را به استثمار شدگان، به فرودستان، به بی‌صدایان و تمامی انسانهای آزادیخواه و عدالتجو شادباش می‌گوییم و برای نیروهای جبهه صلح و آزادی و همه انسانهای شرافتمندی که علیه سرمایه‌داری لگام‌گسیخته مبارزه می‌کنند، موفقیت‌های بزرگ آرزو می‌کنیم.

روز جشن جهانی رنجبران، روز پیمان کاروزان فرودست علیه استثمار، بی‌حقوقی، بیکاری، تبعیض، استبداد و عقب‌ماندگی است، روز پیکار بیشماران علیه اشکال گوناگون نظم جهانی سرمایه داری (نولیبرالی، پوپولیستی و نوافشستی)، روز فریاد تهیدستان و روز سازندگان جهانی انسانی و عاری از تمامی اشکال استبداد، ستم، جهل، تبعیض و استثمار است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به عنوان یک سازمان مدافع آزادی و سوسیالیسم که برای تحقق جهان انسانی و رها از ستم طبقاتی و بهره کشی تلاش می‌کند، در پیوند با جبهه جهانی ضد سرمایه داری، وظیفه مبرم و مقدم خود را برانداختن قدرت ستمگر حاکم بر ایران می‌داند.

در سال گذشته، در ایران تحت سلطه نظام ولایت فقیه، شرایط زندگی کاروزان و توده های بیکار و بی حقوق به طور شتابان به فقر سوق داده شد. فقر، بیکاری، بی خانمانی و بی آینده، تبعیض جنسیتی، مذهبی و ملی و ترویج خرافات، زندگی میلیونها تن از کاروزان و خانواده های آنها را به ادبار و نیستی کشانند. هزینه های کلان رژیم برای برافروختن جنگ، صدور تروریسم و بنیادگرایی و... بر دوش فرودستان سنگینی می‌کند و برای آنها ارمغانی جز توسعه فقر و خانه خرابی نداشته است.

از سوی دیگر، بختک ابربحران بیکاری بر زندگی و آینده میلیونها زن و مرد جوان سایه انداخته است. بر اساس داده های منتشر شده، جمعیت در سن کار کشور حدود ۶۶ میلیون نفر برآورد شده که از این میان، تنها ۲۶ میلیون و ۹۲۸ هزار نفر در گروه «فعال اقتصادی» قرار دارند؛ یعنی کسانی که یا شاغل اند یا در جست و جوی کار. از این جمعیت، ۲۴ میلیون و ۹۵۸ هزار نفر شاغل و یک میلیون و ۹۸۰ هزار نفر بیکار هستند. اما در مقابل، ۳۹ میلیون نفر از مردم در سن کار، نه شغلی دارند و نه به دنبال کارند؛ به عبارتی از چرخه اقتصاد کنار گذاشته شده اند.

یک سال پرتلاطم با خیزش و جنبش انقلابی

همان گونه که بارها اعلام کرده ایم، مهمترین و اصلی ترین مشخصه صحنه سیاسی ایران وجود شرایط انقلابی و بروز جنبشهای انقلابی است. مهمترین نکته در جنبشهای جاری نقش پررنگ تهیدستان و توده های محروم با پیشسازای زنان است که ناشی از ستم عمیق و همه جانبه رژیم جمهوری اسلامی از نظر حقوقی و اجتماعی بر زنان است.

در تمام سه شنبه های سال ۱۴۰۴ کارزار «سه شنبه‌های نه به اعدام» در دهها زندان مختلف با اعتصاب غذا ادامه داشت و همزمان اعضای خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام، با در دست داشتن تصاویر فرزندان شان و پلاکاردهای اعتراضی، خواستار لغو احکام اعدام شدند.

در سال گذشته خیزشهای توده ای و برجسته ترین آن، جنبش انقلابی ماه دی و کنش اعتراضی کارگران، مزدبگیران، بازنشستگان، تهیدستان شهری، معلمان، پرستاران،

برافراشتن پرچم ساواک؛ تطهیر شکنجه و جنایت

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه

بقیه از صفحه ۵

در همین حال رژیم ولایت فقیه نیز از سوی دیگر تیشه به ریشه آن دسته از مشاغل زده که جنگ خودخواسته‌اش توانسته آنها را از بین ببرد، قطع اینترنت به بهانه جنگ، یک میلیون شغل را در کسب و کارهای اینترنتی و خدماتی از بین برده و بیکاری دستکم بیش از دو میلیون نان‌آور خانواده را سبب شده است.

ضربه دیگر حاکمان کارگر ستیز جمهوری اسلامی، تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۵ با رقم ۱۶۶ میلیون تومان است که یک‌چهارم هزینه‌ای است که یک خانواده سه تا چهار نفره برای تامین نیازهای اساسی خود نیاز دارد و مجبور است بپردازد.

جنگ در انتها به دینامیزم فلاکت و بی‌حقوقی که سیاستهای ضدکارگری و ضدمردمی رژیم حاکم به جریان انداخته، انرژی مضاعف داده است. آنکه با فقر و گرسنگی و سرکوب به جنگ جامعه رفت، جنگ خارجی را هم در توشه داشت.

خطاب به شهروندان آزادیخواه و حق طلب ایران زمین!

- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در همبستگی با نبرد نیروهای کار، حمایت کامل خود را از خواسته‌های عادلانه کارگران، مزدبگیران، تهیدستان شهری، کشاورزان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، کامیونداران، دانشجویان، بازاریان، معلولان، مدافعان حفاظت از محیط زیست و غارت شدگان که علیه شرایط فاجعه بار حاکم و سقوط سطح زندگی و معیشت خود، به اشکال گوناگون مبارزه می‌کنند اعلام می‌دارد و از تمامی اتحادیه‌ها، سندیکاها و سازمانهای جهانی کارگری و نیروهای سیاسی مترقی جهان می‌خواهد که به مبارزه برحق نیروهای کار در ایران برای کسب حقوق اولیه شان یاری رسانند.

- ما خواهان تامین امنیت شغلی برای همه کارگران، لغو قراردادهای موقت و قراردادهای شرکتی پیمانکاری و سفید امضا و پرداخت فوری دستمزدهای معوقه به طور کامل هستیم.

- ما خواهان برخورداری کارگران بیکار شده بر اثر جنگ، از بیمه‌های بیکاری و درمان و توقف اخراج کارگران به این بهانه هستیم.

- ما از خواست کارورزان خدماتی بخش اینترنت برای پایان فوری قطع اینترنت حمایت می‌کنیم و مبارزه پیگیر برای این امر را تنها راه وادار کردن حکومت به عقب‌نشینی و تحقق این مطالبه می‌دانیم.

- ما «منشور مطالبات حداقلی تشکلهای مستقل صنفی و مدنی ایران» که روز سه شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۱ منتشر شد را در چارچوب برنامه انقلاب دمکراتیک ارزیابی کرده و از آن حمایت و پشتیبانی می‌کنیم.

- ما از حق ایجاد تشکلهای مستقل برای نیروهای کار یدی و فکری (کارگران صنعتی، کشاورزی، معلمان،

پرستاران، کارگران بخش خدمات و...) و لغو و رفع هرگونه تبعیض بین زن و مرد در حقوق کار و در تمامی نمودهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و پذیرش کنوانسیون جهانی منع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان پشتیبانی می‌کنیم.

- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، سرکوبی و دستگیری اعضای سندیکاها، تشکلهای مستقل کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان و جوانان شرکت کننده در خیزشهای توده ای و صدور احکام اعدام و زندان برای آنان را محکوم می‌کند و خواستار آزادی بی درنگ تمام زندانیان سندیکایی، سیاسی و اجتماعی است.

- ما از شورای حقوق بشر سازمان ملل و از سازمان جهانی کار می‌خواهیم که فشار بر رژیم جمهوری اسلامی را برای به رسمیت شناختن حقوق حقه نیروهای کار در ایران بیش از پیش افزایش دهند.

- ما خواهان فرصتهای برابر در زمینه های آموزش، بهداشت، حرفه و... برای تمام مردم، مستقل از جنسیت، نژاد، ملیت، مذهب و تعلق اجتماعی هستیم و از همه جنبشهای اجتماعی برای تحقق این خواسته ها و از هر تلاش برای جلوگیری از نابودی طبیعت و حفاظت و بهسازی محیط زیست بر اساس توسعه پایدار حمایت می‌کنیم.

- ما تمامی کارگران، کارکنان و مزدبگیران شاغل در مراکز دولتی و خصوصی و تمامی مدافعان آزادی و توسعه پایدار را فرا می‌خوانیم که برای سرنگونی نظام ننگین ولایت فقیه متحد و متشکل شوند.

برای پیروزی در این مبارزه سرنوشت ساز باید متحد و متشکل شد، برآشوبید و نظام ستمگر را براندازید.

زنده باد اول ماه مه

روز همبستگی بین المللی نیروهای کار برافراشته باد پرچم پیکار برای انقلاب، دمکراسی و سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
سه شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ - ۲۸ آوریل
۲۰۲۶

*ترازنامه گنش رنگین کمان بیشماران در سال ۱۴۰۴
خورشیدی در پیوند زیر:

<http://www.iran-nabard.com/BILLAN-KAREGARI/1404%20bilan%20kar.pdf>

*ترازنامه جنبش دانشجویی از یک آذر ۱۴۰۳ تا یک آذر ۱۴۰۴ خورشیدی در پیوند زیر:

http://www.iran-nabard.com/BILLAN_DANESHJOU/16%20azar%201404.pdf

زینت میرهاشمی



حرکتی که ذوب‌شدگان راه به تاج و تخت رساندن رضا پهلوی از خود نشان می‌دهند، از سلامهای هیتلری تا نمایش پرچمهای ساواک، تلاشی تازه برای خودنمایی پس از شکست پروژهٔ به‌قدرت‌رسیدن از مسیر جنگ و دخالت خارجی و آگاهی‌رسانی به همهٔ آزادیخواهان است.

پرچم ساواک، نماد یکی از مخوف‌ترین نهادهای سرکوب و شکنجه در دوران سلطنت پهلوی دوم، در هر جامعه‌ای که خود را پایبند به آزادی و حقوق بشر بداند، اقدامی شرم‌آور و محکوم است. دموکراسی نمی‌تواند هم‌زمان مدافع آزادی باشد و چشم بر تطهیر ابزارهای شکنجه و سرکوب ببندد. حافظهٔ تاریخی مردم ایران و برای نمونه نویسنده این متن کوتاه، هنوز زخم زندانها، شکنجه‌ها و خفقان ساواک را فراموش نکرده است.

عادی‌سازی چنین نمادی، توهین به قربانیان شکنجه و سرکوب است و هیچ نسبتی با ارزشهای انسانی و آزادی‌خواهانه ندارد. در شهر رگنבורگ آلمان، عده‌ای مسخ‌شده با نماد ساواک راهپیمایی کردند. گرچه آزادی‌خواهی با چنین نمایشهایی جمع نمی‌شود، اما این‌گونه اقدامات، اهانت به آزادی، حقوق بشر و تلاشی برای تحریف و به‌فراموشی سپردن تاریخ است؛ پروژه‌ای که باید در برابر آن ایستاد. تطهیر ساواک، جنایتکارترین نهاد سرکوب در دوران سلطنت پهلوی دوم و نمایش آرم آن، نه «آزادی‌خواهی» بلکه دفاع از تاریخ سرکوب و شکنجه است. کسانی که امروز پرچم ساواک را در دست دارند، در حقیقت در برابر دادخواهی زندانیان سیاسی، شکنجه‌شدگان و خانواده‌های جان باختگان استبداد ایستاده‌اند. جامعه‌ای که اجازه دهد جنایتکاران دیروز با پرچم و شعار بازگردند، راه را برای تکرار همان سرکوب هموار می‌کند. در برابر این تحریف آشکار تاریخ و عادی‌سازی جنایت، سکوت جایز نیست.

منبع: فیسبوک

چالشهای معلمان (اردیبهشت ۱۴۰۵)

فرنگیس بایقره

حمایت از حقوق معلمان و دانش آموزان با احضار، بازداشت، اخراج، زندان و فشارهای امنیتی روبه‌رو شده‌اند. تداوم این برخوردها نشان می‌دهد که سرکوب صدای مستقل معلمان همچنان بخشی از سیاست جاری حاکمیت در مواجهه با مطالبات صنفی است.

آموزش نظامی به کودکان نقض آشکار کنوانسیون حقوق کودک



بر اساس گزارشها و ویدیوهای منتشرشده در فضای مجازی، گروهی از کودکان و نوجوانان در برخی مساجد و پایگاههای بسیج در ایران تحت آموزشهای نظامی قرار گرفته‌اند. این آموزشها، بنا بر شواهد موجود، شامل آشنایی و حتی کار عملی با سلاحهایی مانند کلاشینکف و وینچستر است و به صورت سازمانیافته و در بسترهای عمومی انجام می‌شود. این روند نگرانیهای جدی در حوزه حقوق کودک ایجاد کرده است.

ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک، متعهد به حمایت از کودکان در برابر هرگونه بهره‌برداری و فعالیتهایی است که سلامت جسمی و روانی آنها را به خطر می‌اندازد. همچنین بر اساس استانداردهای بین‌المللی، مشارکت یا آماده‌سازی افراد زیر ۱۸ سال برای فعالیتهای نظامی می‌تواند در تعارض با اصل «منافع عالی کودک» تلقی شود.

تجمع دانش‌آموزان در شهرکرد و بیرجند روز پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، دانش‌آموزان در شهرهای شهرکرد و بیرجند در اعتراض به حضوری شدن امتحانات، مقابل ساختمان استانداری استانهای چهارمحال و بختیاری و خراسان جنوبی تجمع برگزار کردند. این تجمع با دخالت نیروهای سرکوبگر امنیتی و انتظامی مواجه شده و در جریان آن میان مأموران و دانش‌آموزان درگیری رخ داده است.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، هراتا، چالش صنفی معلمان ایران)

همچنین خانمها شهناز رضایی شریف‌آبادی، زهرا عزیز، لیلی افشار، میترا نیک‌پور و فاطمه یزدانی به پرداخت جریمه نقدی (هر نفر ۷۰ میلیون تومان) محکوم شده‌اند؛ احکامی که عملاً به عنوان ابزار فشار اقتصادی علیه فعالان صنفی به کار گرفته می‌شود.

این احکام در شرایطی به اجرا گذاشته می‌شود که بنا بر شواهد و گزارشهای میدانی، فشار بر فعالان صنفی معلمان پس از اعتراضات مردمی دی ماه ۱۴۰۴، به شکل بی سابقه‌ای تشدید شده است؛ روندی که نشان از عزم حاکمیت برای خاموش کردن صدای مطالبات صنفی از مسیر پرونده‌سازی، صدور احکام قضایی و اعمال مجازات دارد.

محکومیت امیر رحیمی



امیر رحیمی، معلم مدارس شهرستان ازنا، محبوس در زندان شهرستان درود و از بازداشت شدگان اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴، توسط بیدادگاه تجدیدنظر استان لرستان به چهار سال حبس محکوم شد. این حکم روز شنبه ۲۶ اردیبهشت به وکیل او ابلاغ شده است.

امیر رحیمی از معلولیت شدید در هر دو پا رنج می‌برد. پزشک زندان شهرستان درود تاکنون چهار نوبت گزارش پزشکی درباره وضعیت جسمانی ایشان صادر کرده و قاضی ناظر زندان نیز تأیید کرده است که وی توان تحمل شرایط حبس و انجام امور شخصی روزمره خود را ندارد. با این حال، تاکنون با آزادی وی به قید وثیقه مخالفت شده است.

احضار حسن نظریان، فعال صنفی معلمان

حسن نظریان، معلم اخراجی و عضو کانون صنفی معلمان گیلان، به دادگاه احضار شده است.

بر اساس احضاریه صادرشده، این فعال صنفی معلمان در تاریخ بیست و هشتم اردیبهشت ۱۴۰۵ در بیدادگاه حاضر شد.

در احضاریه ارسالی، اتهامهای «اخلال در نظم و آسایش عمومی» و «تمرد نسبت به مأمورین» برای این معلم فعال صنفی ذکر شده است.

احضار و پرونده‌سازی علیه فعالان صنفی معلمان در حالی ادامه دارد که طی سالهای گذشته، دهها معلم به دلیل پیگیری مطالبات صنفی، دفاع از آموزش رایگان و

به گفته وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، در جریان جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، ۱۲۰۰ مدرسه دچار آسیب جدی شدند و ۲۲ هزار میلیارد تومان به مدارس و ادارات آموزش و پرورش خسارت وارد شد.

بازداشت اصغر حاجب، فعال صنفی معلمان



اصغر حاجب، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان استان بوشهر، روز چهارشنبه ۲ اردیبهشت، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و کماکان اطلاعی از محل نگهداری اش حاصل نشده است. وی به بیماری مزمن قلبی مبتلا بوده و بی‌خبری از وضعیت او باعث نگرانی نزدیکان و خانواده‌اش شده است. از اتهامات مطروحه و محل نگهداری این شهروند تاکنون اطلاعی حاصل نشده است.

اصغر حاجب، پیشتر نیز به واسطه فعالیتهای خود سابقه بازداشت و برخوردهای قضایی را داشته است.

سرکوب سازمانیافته معلمان در کرمان



در ادامه روند فزاینده برخوردهای امنیتی با فعالان صنفی، شعبه یک اجرای احکام بیدادسرای عمومی و انقلاب شهرستان کرمان احکام صادره علیه جمعی از معلمان را برای اجرا ابلاغ کرده است.

بر اساس گزارش منتشر شده، آقایان محمدرضا بهزادپور، حسین رشیدی و مجید نادری هر یک به ۶ ماه حبس محکوم شده‌اند که اجرای حکم آنان از دهم اردیبهشت ۱۴۰۵ در دستور کار قرار گرفته است.

ترجمه متن سخنان زینت میرهاشمی در پارلمان فرانسه (سالن ویکتور هوگو)



توضیح: کنفرانسی به دعوت کمیته پارلمانتی برای ایران دموکراتیک در مجلس ملی فرانسه در سالن ویکتور هوگو، روز دوشنبه ۴ مه ۲۰۲۶ - ساعت ۱۸ تا ۲۰ برگزار شد. من در این کنفرانس به عنوان نماینده سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و عضو شورای ملی مقاومت سخنرانی کردم.

گزارش کامل این کنفرانس را در لینک پوتوب موجود است.

[Conférence - Les conditions de l'avènement d'une République démocratique dans l'Iran libre de demain](#)

خانم رئیس CPID،

خانمها، آقایان نماینده،

خانمها، آقایان،

از برگزارکنندگان این کنفرانس برای فرصتی که به من دادند تا دیدگاهم را بیان کنم، سپاسگزارم. خوشحالم که در این تبادل نظر با دیدگاههای گوناگون شرکت می‌کنم.

من به عنوان سردبیر ماهنامه «نبرد خلق» که بیش از چهل سال است در پاریس به زبان فارسی منتشر می‌شود، مایلم تحلیل خود را از تحولات سیاسی ایران با شما در میان بگذارم.

دوستان عزیز،

مردم ایران بیش از ۱۲۰ سال است که برای آزادی، عدالت و رهایی، در برابر دیکتاتوری‌های پیاپی - نخست سلطنتی و سپس مذهبی - مبارزه می‌کنند. امروز اما یک پرسش همچنان باقی است: چگونه می‌توان این آرمان را در شرایط کنونی تحقق بخشید؟

من از شانزده سالگی وارد فعالیت سیاسی شدم. در هفده سالگی توسط رژیم شاه بازداشت و به حبس ابد محکوم شدم. شاهد شکنجه و اعدام دوستانم بودم؛ تجربه‌ای که تأثیری عمیق بر من گذاشت. پس از آزادی در جریان انقلاب، فعالیت سیاسی خود را در تبعید و در چارچوبی دموکراتیک ادامه دادم.

پس از پنجاه سال است که به عنوان یک سوسیالیست، از حقوق شهروندان ایرانی - زنان، کودکان، کارگران و همه ملیتها - دفاع می‌کنم. سرنوشت خود را با آینده‌ای گره زده‌ام که بر پایه آزادی، عدالت و کرامت انسانی بنا شده باشد.

باور من روشن است: تغییر سیاسی و اجتماعی در ایران تنها از طریق کنش آگاهانه و همبستگی نیروهای اجتماعی و سیاسی امکان‌پذیر است. وحدت نیروهای سیاسی یک

نامه علی یونسی* از پشت میله‌های زندان



روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ ابلاغیه‌ای با تاریخ صدور ۴ اسفند ۱۴۰۴ تحت عنوان عفو ۲۲ بهمن به من تحویل داده شد، مبنی بر این که باقیمانده حبس من (۷ ماه) شامل عفو گردیده است.

اولاً: من هرگز تقاضای عفو نکرده

و نخواهم کرد. آزادی حقی است به سرعت رفته؛ حق دزدیده شده را گدایی نمی‌کنیم، برای به‌دست آوردنش مبارزه می‌کنیم.

دوماً: من الگوهای دارم؛ ۶ همبندی سربلند سربه دار، هر روز و هر لحظه یادشان برایم زنده و صدایشان در گوشم است. آنها چانه نزنند، ننگ بر من اگر برای آزادی ام چانه بزنم.

سوماً: وحید بنی‌عامریان در دفاعیه‌اش گفت: «این ما هستیم که باید دفاع کنیم یا شما؟»، من نیز می‌گویم: «این ما هستیم که باید ببخشیم یا شما؟!»

بخشش و عفو بیش از هر کس حق مادران و پدران داغدار است. پس ای شما مادران و پدران داغدار، امیدوارم هر آن کوتاهی‌ای

کردم را بر من ببخشید که شما تنها مرجع طلب بخشش من هستید و باقی هر چه از رنج و شکنجه و زندان تاکنون بوده و هر چه حبس و تبعید و سختی باقیمانده، چیزی جز وظیفه نیست. ما به پشتوانه فداکاری فرزندان شمامست که می‌جنگیم و بر این

جنگیدن استوار خواهیم ماند. جنگیدن برای آزادی مردم ایران نه مایه حسرت و رنج که بزرگ‌ترین مایه افتخار است.

علی یونسی، زندان قزلحصار ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

*دارنده مدال طلای المپیاد جهانی نجوم و اخترفیزیک سال ۱۳۹۶

نامه امیرحسین مرادی از زندان اوین



چهره خندان عزیزترین دوستانم (وحید و پویا و بابک و محمد و شاهرخ و ابوالحسن) در زمان جدایی و انتقال شان از اوین به قتلگاه قزلحصار که تا آخرین دم از عمرشان نیز تن به ذلت تسلیم در برابر حکومت پست تان ندادند، در جلوی چشمانم است و مادران و پدران شان را تصور می‌کنم.

همان‌طور که در شهریور ۱۴۰۳ نیز

به صراحت گفتم، اکنون نیز تکرار می‌کنم عفو ننگین شما را نخواسته و نمی‌خواهم و در پاسخ به کشتار خونین دی ماه و اعدامهای جنایتکارانه اخیر، قطعاً و یقیناً ما مردم تحت ستم ایران هستیم که در موضع بخشیدن شما هستیم اما یقین بدانید که ما نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم.

من نیز تا زمان رهایی مردم ایران از شر شما، حتی فکر رهایی خود از بند را نخواهم کرد و آن را از شما گدایی نمی‌کنم.

امیرحسین مرادی، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

انتخاب نیست، بلکه ضرورتی تاریخی است. به همین دلیل، ما در درون ائتلاف شورای ملی مقاومت که بیش از ۴۰ سال است به آن پیوسته‌ایم، مجموعه‌ای از گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی با دیدگاه‌های متفاوت هستیم که درباره مسائل گوناگون گفت‌وگو و تبادل نظر می‌کنیم، در حالی که بر اصل اساسی توافق داریم: سرنوشتی رژیم و برقراری یک جمهوری دموکراتیک و سکولار.

خانمها، آقایان

بر کسی پوشیده نیست که کُنشگری سیاسی در شرایط پیچیده کنونی و وجود آتش بس شکننده آسان نیست. سازمان ما در آغاز جنگ موسوم به دوازده روزه اعلام کرد که با وجود تهاجم و تجاوز آمریکا و اسرائیل به سرزمین ما «اما هیچکس جز خامنه‌ای و سپاه پاسداران مسئول کشاندن ایران به این درگیری و پیامدهای آن نیست.»

سازمان ما همچنین اعلام کرده که «هرگونه تعرض به ساکنان شهرها و درگیر کردن شهروندان عادی و غیر مسلح در کشمکشهای نظامی تحت هر عنوان و به هر شکل و شیوه یک جنایت جنگی و محکوم است.»

اکنون شاهد هستیم و من بر این باور هستم جنگ نه فقط موجب براندازی استبداد مذهبی حاکم بر ایران نمی‌شود، بلکه سد راه برآمد توده‌ای و بنابراین به زیان مبارزه مردم برای صلح و آزادی و دموکراسی است.

همچنین مماشات نیز نمی‌تواند شرایط سیاسی ایران را به سود مردم تغییر دهد و بنابراین این سیاست نیز با منافع مردم سازگار نیست.

از این دو مسیر انحرافی، راه حل سوم که شورای ملی مقاومت ایران مدافع آن است و خانم مریم رجوی در اجلاسهای گوناگون آن را بارها اعلام کرده، برجسته می‌شود. راه رهایی مردم ایران به دست خود مردم و نیروهای پیشرو و البته همبستگی نیروهای سیاسی جمهوری خواه میسر است.

این تصویر که مردم ایران فقط میان دو گزینه قرار دارند - ادامه وضعیت موجود یا بازگشت به سلطنت - یک تصویر نادرست و تحریف‌شده است. جریان مدافع سلطنت به ویژه شخص رضا پهلوی، با راهکارهای شبه فاشیستی، عامل تفرقه در جبهه آزادیخواهی، مبلغ تغییر رژیم با مداخله نظامی خارجی و تشدیدکننده شکافهای اجتماعی و سیاسی است.

البته سازمان ما از فشارهای سیاسی به حکومت ایران برای انزوای آن حمایت می‌کنیم، اما هم‌زمان با هرگونه مداخله نظامی برای تغییر رژیم و الترناتیو سازی مخالف هستیم؛ زیرا تجربه نشان داده چنین مداخلاتی نه به آزادی، بلکه به بی‌ثباتی و رنج بیشتر مردم منجر می‌شود.

سپاسگزارم که به من گوش کردید

دانشگاه در ماهی که گذشت (فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵)

کامران عالمی نژاد

دانشجویان دانشگاه شریف در حالی اعلام کردند از حضور در کلاسها خودداری خواهد کرد که در حال حاضر کلاسهای این دانشگاه به صورت مجازی برگزار می‌شود.

اعتراض ۲ هزار دانشجوی دانشگاه آزاد به شهریه کامل آنلاین

بیش از دو هزار نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد در پوشی در سامانه «فارس من» نسبت به دریافت حداکثری شهریه این دانشگاه، با وجود برگزاری کلاسها به صورت آنلاین، اعتراض کردند.

سر دبیر این پوشی در ادامه گفت: با توجه به اختلالات گسترده و قطعیهای مکرر در سامانه وادانا، عملاً دسترسی دانشجویان به کلاسهای آنلاین و محتوای آموزشی مختل شده است و همین امر باعث دوچندان شدن مشکلات آموزشی شده است. وی افزود: دانشجویان هنگام برگزاری کلاسها با مشکلاتی از جمله عدم امکان ورود به سامانه، قطعیهای پی‌درپی در حین تدریس، ناقص بودن جلسات آرشیمی، تأخیر طولانی در رفع اشکالات فنی و محرومیت از امکانات حضوری روبه‌رو هستند؛ در حالی که بخش عمده شهریه بابت همین خدمات دریافت می‌شود.

اعتصاب کارمندان دانشگاههای سراسر کشور

روزیکنشبه ۶ اردیبهشت، کارمندان دانشگاه تهران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شان از سوی وزارت علوم، دست به اعتصاب زدند. این در حالی است که اساتید دانشگاههای سراسر کشور و شوراهای صنفی اساتید نیز پیش از این هشدار داده بودند که در صورت عدم پرداخت حقوق شان تا شنبه ۶ اردیبهشت، از این روز کلاسهای درس خود را تعطیل می‌کنند. همچنین افزایش حقوق ایشان نیز در هاله‌ای از ابهام به سر می‌برد. چنانکه گویی افزایش و پرداخت حقوق اساتید و کارمندان دانشگاهها در آخرین اولویتهای دولت قرار دارد.

ممنوعیت تحصیل و تهدید دانشجویان معترض



با گذشت حدود دو ماه از مجازی شدن دانشگاهها، شماری از دانشجویانی که اعتراضات اخیر حضور داشته اند و برای آنان پیامکهای ممنوعیت تحصیل ارسال شده، همچنان از دسترسی به

سامانه «بهستان»، حضور در کلاسهای مجازی و ورود به دانشگاه محروم مانده اند.

بر اساس گزارش دانشجویی که روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ منتشر شد، برخی کارشناسان آموزش دانشگاه نیز از وضعیت پیش آمده اظهار بی‌اطلاعی کرده و نسبت به اعمال این محدودیتها ابراز تعجب کرده اند. در همین حال، حراست دانشگاه و به ویژه رئیس آن، رضا حضرتی، در قبال این وضعیت پاسخگو نیست.

بقیه در صفحه ۱۰

همراه و بازداشت تمامی حاضران کرده و آن‌ها را به مکانی نامعلوم منتقل کردند.

پس از بررسی تلفن همراه این دانشجویان و بازجویی از آنان، ۱۴ نفر از بازداشت‌شدگان پس از چند ساعت آزاد شدند.

چهار نفر دیگر شامل محمدپارسا گلچین، دانشجوی ادبیات دانشگاه تهران، محمدحسن خوش‌چهره، دانشجوی مهندسی برق دانشگاه صنعتی آریامهر، ایلیا صبوری‌نسب، دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه تهران و حسین مهدی‌پناه، دانشجوی مهندسی برق دانشگاه آریامهر، به بازداشتگاه منتقل شده و شب نخست را در سلول انفرادی سپری کردند.

احکام انضباطی برای ۵۰ دانشجوی دانشگاه بیرجند

روز سه شنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، کمیته انضباطی دانشگاه بیرجند برای ۵۰ دانشجوی این دانشگاه احکام انضباطی صادر کرده است.

حدود ۳۰ دانشجو به محرومیت از امکانات رفاهی تا پایان دوران تحصیل محکوم شده‌اند و نزدیک به ۲۰ نفر دیگر نیز با حکم تعلیق دو ترم تحصیلی (با احتساب سنوات) مواجه شده‌اند. این احکام در شرایطی صادر شده که روند رسیدگی به پرونده‌ها با انتقادهای جدی همراه است. فرآیند بررسی حتی با معیارهای قانونی موجود نیز همخوانی نداشته است. از جمله این که رسیدگی به پرونده‌ها زمانی آغاز شده که برخی دانشجویان غیر بومی در بیرجند حضور نداشتند و عملاً امکان شرکت در جلسات را نداشته‌اند. همچنین در مواردی، دعوت رسمی برای حضور در جلسات رسیدگی از طریق پیامک به دانشجویان ارسال نشده است. تمامی این پرونده‌ها به تجمعاتی مربوط می‌شود که پیش از ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه برگزار شده‌اند؛ در حالی که دانشگاه از آن زمان تاکنون به صورت مجازی اداره می‌شده است.

اعتصاب دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف



روز چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۵، جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند در اعتراض به تداوم بازداشت «پرنیان خدابخشی».

دانشجوی این دانشگاه، از روز شنبه ۵ اردیبهشت از حضور در کلاسها خودداری خواهند کردند.

در بخشی از بیانیه آمده است: «هم‌دانشگاهی ما پرنیان خدابخشی، ۵۴ روز است که در بازداشت به سر می‌برد و دانشگاه برای آزادی او اقدام موثری انجام نداده است.»

پرنیان خدابخشی، ورودی ۱۴۰۲ رشته مهندسی مواد دانشگاه شریف ۸ اسفند ۱۴۰۴ بازداشت شد. بر اساس گزارشها، این دانشجو به اتهام برافراشتن پرچم در محوطه دانشگاه بازداشت شده و در حال حاضر در زندان قرچک نگهداری می‌شود.

محمدامین بیگلری دانشجوی کامپیوتر اعدام شد



محمدامین بیگلری، دانشجوی ۱۹ ساله رشته کامپیوتر که پیش‌تر به اتهام «آتش زدن یک پایگاه بسیج» بازداشت شده بود، روز یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵، اعدام شد.

به گفته وکیلش، وی پس از دریافت دیپلم، برای تأمین معاش خانواده به طور هم‌زمان در دو شغل کار می‌کرد. به گفته منابع نزدیک به خانواده، پدر او به دلیل شرایط جسمی نامناسب توان پیگیری پرونده را نداشته و عموی او به همراه وکلای پرونده پیگیر وضعیت وی بوده‌اند.

حسن آقاخانی، یکی از وکلای محمدامین بیگلری، اعلام کرد پرونده موکلش به همراه شش متهم دیگر به صورت یکجا در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی رسیدگی شده است. به گفته وی، برای تمامی متهمان اشد مجازات در نظر گرفته شده است.

او افزود عنوان اتهامی محمدامین بیگلری، بنا بر اظهارات وکیل تسخیری، «محرابه» عنوان شده است. با این حال، جزئیات رسمی اتهام و مستندات پرونده در اختیار وکلای تعیینی قرار نگرفته است.

به گفته این وکیل، رسیدگی به پرونده در تاریخ ۱۸ بهمن انجام شده و تنها یک روز بعد، در ۱۹ بهمن، رأی صادر شده است. این فاصله کوتاه میان رسیدگی و صدور حکم، از سوی وکیل پرونده مورد انتقاد قرار گرفته است.

بازداشت و ضرب و شتم ۱۸ دانشجو



شامگاه شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵، جمعی از دانشجویان دانشگاههای تهران، ملی (بهشتی)، صنعتی آریامهر و فردوسی مشهد در جریان یک دیدار دوستانه با یکی از اساتید پیشین خود، با ورود ناگهانی مأموران مسلح مواجه شدند.

این دانشجویان که شمار آنها ۱۸ نفر اعلام شده، از هم‌مدرسه ایهای دوران دبیرستان در مدارس سمپاد بودند و برای دیداری دوستانه با یکی از معلمان سابق خود در مشهد گردهم آمده بودند. به گفته منابع مطلع، مأموران پس از ورود به محل ضمن ضرب و شتم شدید حاضران، اقدام به ضبط تلفنهای

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۹

موج اخراج و تعلیق در دانشگاهها



در روزهای اخیر شمار قابل توجهی از دانشجویان در دانشگاههای آریامهر (شریف)، پلی تکنیک (امیرکبیر)، دانشگاه تهران و علم و صنعت با احکام تعلیق و اخراج از سوی کمیته‌ها و شوراهای انضباطی مواجه شده‌اند؛ احکامی که بنا بر گزارشها، در برخی موارد همراه با محرومیت از تحصیل در سایر دانشگاهها نیز بوده است. در یکی از احکام صادر شده «شورای انضباطی بدوی» با استناد به مواردی که «تخلف» نامیده شده، از جمله «هتک حرمت اشخاص»، «اهانت به مقدسات دینی»، «انتشار موضوعات غیراخلاقی» و همچنین «هواداری از گروههای محارب»، برای یک دانشجو حکم اخراج از دانشگاه را صادر کرده و در متن حکم، محرومیت از تحصیل در کلیه دانشگاهها تا ۵ سال نیز ذکر شده است.

پیش از این نیز امیرمحمد کریمی، دیگر دانشجوی رشته مهندسی پلیمر دانشگاه تهران که هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برد، در حین بازداشت به صورت غیابی به دو ترم محرومیت از تحصیل محکوم شده بود.

قتل حکومتی عرفان شکورزاده، دانشجوی نخبه



براساس اعلام قوه قضاییه جنایتکار جمهوری اسلامی، عرفان شکورزاده، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی هوافضا - فناوری ماهواره دانشگاه علم و صنعت ایران، صبح روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

عرفان شکورزاده متولد ۱۳۷۶ و دانش‌آموخته مهندسی برق دانشگاه تبریز بود که در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه علم و صنعت تهران تحصیل می‌کرد. در سوابق علمی منتشرشده از او، کسب رتبه نخست مقطع کارشناسی ارشد، فعالیت در حوزه نرم‌افزارهای تست ماهواره و انتشار مقالات علمی در زمینه کنترل و موقعیت‌یابی ماهواره دیده می‌شود. طبق گزارش‌های دریافتی، این دانشجو در بهمن‌ماه ۱۴۰۳ توسط اطلاعات سپاه با اتهام «جاسوسی و همکاری با کشورهای متخاصم» بازداشت شد و طی ماه‌های گذشته هیچ اطلاع‌رسانی رسمی درباره وضعیت او منتشر نشده بود.

منبع مطلع به خبرنگار امیرکبیر اعلام کرده بود که عرفان شکورزاده حدود ۹ ماه در سلول انفرادی نگهداری شده و پس از آن به زندان اوین منتقل شده بود. به گفته این منبع، حکم اعدام وی سه روز پیش در دیوان عالی جمهوری اسلامی تأیید و بلافاصله پس از آن برای اجرای حکم به زندان قزلحصار منتقل شده است.

این دانشجو پیش از اعدام، در یادداشتی خطاب به مردم ایران و جامعه جهانی نوشته بود:

«من عرفان شکورزاده ۲۹ ساله، یکی از معدود به اصطلاح نخبگانی که حاضر به مهاجرت نشدم.

چند ماه پیش از جنگ ۱۲ روزه، به اتهام واهی جاسوسی و همکاری با کشورهای متخاصم توسط اطلاعات سپاه بازداشت شدم و در مدت ۸ ماه و نیم شکنجه و زندان انفرادی مجبور به اعتراف اجباری شدم. نگذارید یک جان بی‌گناه دیگر در سکوت و بی‌خبری از دست برود.»

مطهره گونه‌ای مجدداً به دادسرا فراخوانده شد



روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، مطهره گونه‌ای، فعال دانشجویی، برای دومین بار طی یک ماه

اخیر به بیدادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۱ تهران احضار شد.

وی با انتشار مطلبی در این خصوص نوشت: «امروز احضاریه جدید آمد. این بار، جهت دفاع از اتهام انتسابی نشر اکاذیب باید به بیدادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۱ تهران مراجعه کنم.»

این فعال دانشجویی، اخیراً نیز از بابت اتهامات توهین به مقدسات، توهین به رهبری، توهین به مقامات و ماموران، تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب با شکایت قرارگاه ثارالله تهران، به شعبه ۹ بازپرسی بیدادسرای فرهنگ و رسانه تهران احضار شد.

مطهره گونه‌ای پیشتر با حکم دادگاه انقلاب، از بابت اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، به تحمل ۱۵ ماه حبس تعزیری و به اتهام اهانت به خامنه‌ای، به تحمل شش ماه حبس تعزیری و ضبط تلفن همراه محکوم شده بود. این حکم در آذرماه سال گذشته در مرحله بدوی، توسط بیدادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شد.

محکومیت عرفان عربی، دانشجوی مهندسی کامپیوتر

روز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵، عرفان عربی، دانشجوی رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه آزاد بیرجند و از فعالان آزادی اینترنت، به ۵ سال حبس محکوم و این حکم روز جاری در بیدادگاه انقلاب به صورت شفاهی به وی ابلاغ شد.



بیدادگاه انقلاب، آقای عربی را به اتهاماتی مانند «اجتماع و تبانی» و «تبلیغ علیه نظام» به ۸ سال حبس محکوم کرده که ۵ سال از آن قابل اجرا است.

عرفان عربی، ۲۰ ساله، دانشجوی کامپیوتر دانشگاه آزاد بیرجند و عضو تیم توسعه سیستم‌عامل پارچ لینوکس، بهمن ماه سال گذشته پس از احضار توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و ضبط دستگاههای الکترونیکی‌اش، به اتهاماتی مانند «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» بازداشت و اواخر فروردین امسال، پس از حدود سه ماه از زندان آزاد شد.

احضار گسترده دانشجویان دانشگاه تهران به کمیته انضباطی

روز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵، به دانشجویان متحد، کمیته انضباطی دانشگاه تهران حداقل ۱۰ تا ۱۵ نفر از دانشجویان این دانشگاه را به صورت تلفنی احضار کرده و

خواستار دریافت دفاعیه‌های ایشان از طریق ایمیل، برای تشکیل جلسه غیرحضور کمیته انضباطی شده است.

بر اساس تبصره ماده ۸۲ شیوه‌نامه انضباطی ۱۴۰۳، تشکیل جلسه به صورت غیرحضور یا تلفنی و اقدام به اخذ امضا اعضا [کمیته] برای صورتجلسه مربوطه، مجاز نبوده و احکام صادره به این طریق فاقد اعتبارند.

تلاش حکومت جهت تغییر کاربری پارک علم و فناوری

روز پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۵، روزنامه «اعتماد» به نقل از یک منبع آگاه در دانشگاه تربیت مدرس گزارش داده که برای دومین بار طی سه هفته اخیر، نیروهای انتظامی وارد پردیس بابایی، محل استقرار پارک علم و فناوری این دانشگاه شده و خواستار تخلیه و واگذاری این زمین ۶۰ هکتاری شده‌اند. به گفته این منبع، ورود اخیر بدون مجوز قضایی و همراه با استقرار کانسپها بوده و به تنش میان مأموران و کارکنان دانشگاه انجامیده است.

این زمین از سال ۱۳۸۷ به دانشگاه تربیت مدرس واگذار شده و اکنون ۱۷ شرکت دانش‌بنیان در حوزه‌هایی مانند تجهیزات پزشکی، انرژیهای تجدیدپذیر، کشاورزی و فناوریهای زیستی در آن فعالیت می‌کنند.

در پی این اتفاق، جمعی از دانشگاهیان تربیت مدرس با انتشار بیانیه‌ای نسبت به آسیب دیدن فضای علمی و زیست‌بوم نوآوری کشور هشدار دادند و حفظ این مجموعه را ضروری ملی دانستند.

تجمع کارکنان بهداشت دانشگاههای علوم پزشکی اصفهان و مشهد

روز یکشنبه ۲۷ اردیبهشت، همزمان جمعی از کارکنان بهداشت دانشگاههای علوم پزشکی اصفهان و مشهد برای دستیابی به مطالبات و در اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولان.

مطالبات کارکنان محیطی مراکز بهداشت:

۱- روز پنجشنبه برای کارکنان محیطی نیز تعطیل اعلام شده یا به عنوان دور کاری ثبت شود.

۲- بخشنامه واحد و رسمی استانی برای جلوگیری از تشتت رویه صادر گردد.

۳- در صورت نیاز به خدمت‌رسانی، شیفت‌بندی حداقلی و داوطلبانه با پرداخت فوق‌العاده در نظر گرفته شود، نه الزام حضور عمومی.

مطالبه گران تأکید کرده‌اند که هدف از این درخواست، کاهش کیفیت خدمت‌رسانی نیست، بلکه «برقراری عدالت اداری، تقویت انگیزه شغلی و بهبود بهره‌وری» است.

در تجمع امروز کارکنان علوم پزشکی اصفهان همچنین افراد خواستار احقاق حقوق قانونی خود، پاسخگویی شفاف مسئولان و اصلاح احکام حقوقی شدند.

تجمع کارکنان بهداشت دانشگاه علوم پزشکی نیشابور روز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت، از تجمع کارکنان بهداشت دانشگاه علوم پزشکی نیشابور برای دستیابی به مطالبات و در اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولان.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: کانون حقوق بشر ایران، خبرنگار امیرکبیر، رادیو زمانه، ایران وایر، فارس، تلگرام خبرنگار امیرکبیر، ایپنا، هانا، سازمان حقوق بشر ایران، کانال تلگرام دانشجویان متحد)

جنبش رنگین کمان بیشماران (اردیبهشت ۱۴۰۵)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

آدینه ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه)

*راندگان اخراجی شرکت پایانه و مخازن بندر ماهشهر با تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان در استان خوزستان خواستار بازگشت به کار شدند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان با ابراز نگرانی نسبت به وضعیت معیشتی خود و خانواده های شان، از فرماندار بندرماهشهر درخواست کردند برای بررسی موضوع و بازگشت به کار آنان ورود جدی داشته باشد. این راندگان تاکید کردند اخراج بدون شفاف سازی، آنان را با مشکلات جدی اقتصادی و معیشتی مواجه کرده و انتظار دارند مسئولان هرچه سریع تر نسبت به حل این مسئله اقدام کنند.

شنبه ۱۲ اردیبهشت

*کارگران کارخانه سامان کاشی بروجرد از تجمع برای اعتراض به بالاترین شغلی و معیشتی طی ۲ ماه گذشته مقابل اداره کار و فرمانداری این شهرستان در استان لرستان، خبر دادند. به گزارش ایلنا، واحد سامان کاشی واقع در مجاورت بزرگراه بروجرد- خرم آباد که از سوی یک کارفرمای بخش خصوصی اداره می شود، از حدود دو ماه پیش (۲۰ اسفند ۱۴۰۴) فعالیت خود را متوقف کرده است. به دنبال این اتفاق حدود ۱۲۵ کارگر شاغل در آن هم اکنون بالاترین شغلی نامشخصی دارند.

یکشنبه ۱۳ اردیبهشت

*کارگران معدن زغال سنگ هسونی کرمان که ماههاست با تأخیر در پرداخت حقوق دست و پنجه نرم می کنند، در پی تداوم این وضعیت و عدم دریافت مطالبات اسفند، دست به اعتصاب زدند و با برگزاری تجمع مقابل فرمانداری شهرستان کوهبنان، خواستار رسیدگی فوری به مطالبات خود شدند. به گزارش ایلنا، کارگران معدن زغال سنگ کرمان، متشکل از ۱۲ معدن زیرمجموعه شرکت زغال سنگ کرمان، بار دیگر با مشکل تأخیر در پرداخت حقوق مواجه شده اند؛ معضلی که به گفته کارگران، به صورت مکرر تکرار می شود و به یکی از دغدغه های اصلی معیشتی آنان بدل شده است. کارگران این معدن از اسفندماه سال گذشته تاکنون حقوق نگرفته اند و با گذشت بیش از یک ماه از پایان سال، همچنان حقوق معوقه اسفند پرداخت نشده است؛ موضوعی که در شرایط دشوار اقتصادی، فشار مضاعفی بر زندگی این کارگران وارد کرده است.



*شماری از کارگران ابنیه فنی راه آهن نواحی دورود لرستان و اندیمشک برای ششمین روز پیاپی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این اعتراض به دلیل بی توجهی کارفرما نسبت به وضعیت مطالبات معوقه در محدوده محل کار این کارگران صورت گرفته است. این امر مشکلات معیشتی بسیاری را برای کارگران به همراه داشته است. یکی از کارگران ابنیه فنی تراورس لرستان با طرح این سوال که چرا کارفرمای شرکت تراورس به فکر معیشت و گذران زندگی کارگران تحت مسئولیت خود نیست، گفت: در شرایط فعلی که کشور در حال جنگ با دشمنان است، شرکت راه آهن برای کمک معیشت کارکنان اداری و حتی همکاران تجمیعی مبالغی تا حدود ۵ میلیون تومان واریز کرده اما کارگران پیمانکاری تا هم اکنون از این کمک مالی محروم بوده اند.

بقیه در صفحه ۱۲

نیروهای کار در واکنش به شرایط فاجعه بار کنونی و فلاکتی که با آن درگیر هستند دستکم ۵۰ روز حرکت اعتراضی در ماه اردیبهشت انجام دادند. حرکت های اعتراضی معلمان و دانشجویان در همین شماره ماهانه نبرد خلق پوشش داده می شود. در ماه اردیبهشت شاهد سه شبه های اعتراضی زندانیان سیاسی و همزمان تجمع خانواده های محکوم به اعدام بودیم.

۱۳ اردیبهشت: نهمین سالگرد حادثه معدن ذغال سنگ زمستان یورت در سال ۹۶ خورشیدی است که در آن ۴۳ کارگر جان باختند. اکنون هم قربانی شدن کارگران به دلیل عدم رسیدگی به وضعیت ایمنی معادن ادامه دارد.

۱۲ مه (۲۲ اردیبهشت)، روز جهانی پرستار فرصتی است برای قدرانی از تلاش های بی وقفه پرستاران و نقش حیاتی آنها در نظام سلامت جهانی؛ همزمان با بزرگداشت تولد فلورانس نایتینگل، پیشگام پرستاری نوین.

شنبه ۵ اردیبهشت

*جمعی از راندگان و مال باختگان شرکت حمل و نقل گلوبال تبریز با تجمع مقابل ساختمان بیدادستانی این شهر، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. این افراد برای ارتقای وسیله نقلیه خود مبالغی را به این شرکت پرداخت کرده اند، اما شرکت نتوانسته به تعهدات خود عمل کند. به گزارش شبکه خبری تحلیلی صنعت حمل و نقل، این تجمع پس از شش ماه بالاترین شغلی و عدم دریافت غرامت از سوی این شرکت مقابل ساختمان دادستانی تبریز برگزار شد. شرکت کنندگان در تجمع که همگی از شرکت گلوبال طلبکار هستند، با دست داشتن پلاکاردهایی با مضامین «عدالت خواهی» و «حمایت قضایی»، از مقامات قضایی خواستند تا اقدامات لازم برای بازگرداندن حقوق آن ها انجام شود.

*کارکنان مرکز بهداشت استان یزد برای دومین روز مقابل استانداری یزد تجمع کردند. به گزارش تلگرام اعتراض مدنی بازار، معترضان نسبت به مشکلات معیشتی، مطالبات خود و شرایط کاری اعتراض دارند. آنچه بیش از همه مورد اعتراض تجمع کنندگان قرار گرفته، بی پاسخ ماندن مطالباتشان است؛ صدایی که شنیده نمی شود و مسئولی که برای پاسخگویی در میان جمع معترضان حاضر نمی شود.

چهارشنبه ۹ اردیبهشت

*جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد در اصفهان مقابل ساختمان استانداری و همزمان در تهران با حضور مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد در خیابان وزرا، خواستار برقراری بیمه تکمیلی خود شدند. به گزارش ایلنا، یکی از بازنشستگان گفت: از ابتدای سال جاری قرارداد بیمه تکمیلی بازنشستگان فولاد اصفهان و تهران با «آتیه سازان حافظ» به اتمام رسیده و در شرایط جنگی این مدت تا پایان فروردین ماه تمدید شد اما اکنون به مدت ۹ روز است که بازنشستگان فولاد اصفهان تهران فاقد بیمه درمان تکمیلی هستند.



جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۱

دوشنبه ۱۴ اردیبهشت

*خانواده «مریم آقابابایی» با تجمع مقابل بیدادسرای عمومی شهرستان شهرکرد، خواستار پاسخگویی و رسیدگی سریع مسئولان به پرونده وی شدند. به گزارش زومیت، رییس روابط عمومی فرجای استان چهارمحال و بختیاری در رابطه با این تجمع گفت: «مریم آقابابایی، دختری حدوداً ۳۰ ساله با شغل آزاد بوده است که در مسیر کار خود سوار خودروی تاکسی عبوری شده بود. اما خانواده او با در دست داشتن پلاکاردی که روی آن کلمه تاکسی اینترنتی نوشته بود، این شائبه را ایجاد کرد که خودرو متعلق به این تاکسی بوده است.»

خواهر مقتول نیز در رابطه با پرونده وی گفت: «خواهرم از طریق تلفن همراه خود یک دستگاه خودروی اینترنتی درخواست می‌کند؛ اما پس از آن تلفن همراه او از دسترس خارج شد و تماس ما برای گفت و گو با او به نتیجه نرسید.» به گفته برادر مقتول، قاتل در اعترافات خود به جزئیات قتل اعتراف کرده است.

سه شنبه ۱۵ اردیبهشت

*گروهی از کارگران بیکار شده پروژه فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام که تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری «جهانپارس» مشغول به کار هستند، برای دومین روز متوالی مقابل ساختمان اداره کل کار این استان، پیگیر وضعیت شغلی خود شدند. به گزارش ایلام، یکی از معترضان گفت: ما حدود ۱۵۰ نفر کارگر بومی منطقه هستیم که از پایان اسفند ماه سال گذشته پیگیر بازگشت به کارمان از



تجمع اعتراضی شهروندان در شهرکرد

مسئولان شهرستانی و استانی هستیم اما بعد از گذشت حدود ۴۵ روز از سال جدید، هنوز اقدامی در جهت پیگیری وضعیت شغلی‌مان انجام نشده است. از هم‌راه ۱۴۰۴ تا فروردین‌ماه سال جاری، در سه مرحله در مجموع حدود ۱۵۲ نفر از کارگران پیمانکاری پروژه فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام با اتمام قرارداد بیکار شدند و از آن زمان تاکنون به دنبال بازگشت به کار در این پروژه و دیگر پروژه‌های در دست اقدام هستند.

*برای دومین بار در ماه جاری، کارگران بازنشسته صنعت فولاد برای اعتراض به قطع شدن بیمه تکمیلی و پینگ پنگ شرکت ذوب آهن و صندوق بازنشستگی فولاد دست به تجمع زدند. به گزارش ایلام، از ابتدای سال جاری قرارداد بیمه تکمیلی بازنشستگان فولاد اصفهان و تهران با «آئیه سازان حافظ» به اتمام رسیده و در شرایط جنگی این مدت تا پایان فروردین ماه تمدید شد اما اکنون به مدت ۱۵ روز است که بازنشستگان فولاد اصفهان و تهران فاقد بیمه درمان تکمیلی هستند.

پنج شنبه ۱۷ اردیبهشت

*جمعی از نانوایان کرمانشاه برای اعتراض به افزایش هزینه پخت از جمله بالا رفتن قیمت حاملهای انرژی برق و گاز، مخمر و نمک و دستمزد کارگران و ثابت ماندن نرخ نان دست به تجمع مقابل ساختمان اتحادیه نانوایان زدند و در سطح شهر به سوی استانداری راهپیمایی کردند.

*تعدادی از بستگان و خانواده سربه دار، ساسان آزادوار جوقانی در محل مزار او تجمع کرده و شعار می‌دادند: «ساسان جوقانی، افتخار جهانی». حکم اعدام ساسان آزادوار روز ۳۱ فروردین در شعبه یکم بیدادگاه انقلاب استان اصفهان صادر شده بود. بیدادستانی اصفهان مدعی شده که این جوان کاراته‌کار ۲۱ ساله، در جریان اعتراضات در دی ماه ۱۴۰۴ قصد حمله به ماموران نیروی انتظامی را داشته است؛ ادعایی که به گفته اعضای خانواده، مدارکی برای آن ارائه نشده بود. ساسان سابقه قهرمانی در مسابقات استانی اصفهان را در کارنامه دارد.

یکشنبه ۲۰ اردیبهشت

*شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز و شوش، مقابل اداره تامین اجتماعی دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلام، بازنشستگان معترض خواستار

اجرای کامل مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی و افزایش مستمریها بر اساس مصوبه شورای عالی کار و ماده ۴۱ قانون کار شدند.

همچنین، این شهروندان در ادامه خواهان پرداخت بدهی دولت به تامین اجتماعی و حل مشکل نقدینگی شدند و بیان کردند: از دولت انتظار داریم در شرایط جنگی، همانند دیگر صندوق‌های بازنشستگی بخشی از مبلغ مالیات بر ارزش افزوده را به تامین اجتماعی اختصاص دهد.

*شماری از شهروندان مالباخته در پرونده ثبت نام خودرو در دفاتر «پیشخوان آتیه» و «سلامت گستر»، با برگزاری تجمعی اعتراضی مقابل بیدادسرای عمومی و انقلاب زنجان، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش ایرنا، شمار شاکیان این پرونده ۱۷۲ نفر است که ۱۲۲ نفر از آنان ساکن شهر زنجان و ۵۰ نفر از اهالی طارم هستند.

*جمعی از مالباختگان حادثه آتش سوزی بازارچه جنت تهران مقابل شهرداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش دادبان، این شهروندان با برگزاری تجمع اعتراضی، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند و از شهرداری درخواست حمایت کردند.

سه شنبه ۲۲ اردیبهشت

*جمعی از خریداران خودروی لاماری ایما ثبت نامی آبان ماه ۱۴۰۴ در اعتراض به عدم اجرای تعهدات شرکت آرین پارس موتور مقابل ساختمان شورای رقابت و سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان تجمع کردند.

یکشنبه ۲۷ اردیبهشت

شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمان سازمان تامین اجتماعی در شهرهای تهران، تبریز، رشت و شوش تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلام، تجمع این شهروندان در اعتراض به تاخیر بیش از دو ماهه در افزایش حقوق سالانه موضوع ماده ۹۶، بی تفاوتی نسبت به تعیین و ابلاغ حق مسکن و همچنین عدم اجرای قانون الزام در بخش درمان صورت گرفته است.

*کارگران اخراجی پتروشیمی پتروناد منطقه ماهشهر در بیستمین روز اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی باردیگر مقابل فرمانداری ماهشهر تجمع کردند. به گزارش ایلام، یکی از کارگران اخراجی این مجموعه با بیان اینکه دو سال در پتروناد به عنوان استادکار فیتزر در پروژه‌ها فعال بوده، گفت: ما سالها در مجموعه پتروناد که مواد اولیه پتروشیمی مخصوص دارو و برخی صنایع دیگر را تولید می‌کنند، فعال بودیم. قرار بوده که از ابتدای سال مجموعه برای فازهای مختلف خود نیرو بگیرد و به سر کار برویم. پس از تعطیلات سال جدید، کار در این مجموعه شروع شد اما همزمان کارگران بومی منطقه که بیش از ۲۰۰ نفر بودند، از مجموعه اخراج شدند و ظاهراً نیروی کار غیر بومی جذب مجموعه شد.

چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت

*شماری از کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر، در اعتراض به کسر مزایای مزدی خود، تحت عناوینی همچون «بهره‌وری»، «رفاهیات» و «مزایای مناسبتها»، دست به تجمع زدند. به گزارش ایلام، کارگران معترض اعلام کردند: «پس از ماهها تلاش کارگران برای احقاق حقوق خود در سال ۱۴۰۳ و با میانجی‌گری دفتر نماینده مجلس و نظارت اداره کار، رای قطعی مبنی بر پرداخت مطالبات ۴۸ پرسنل صادر شده بود. پس از طی مراحل قانونی و ارجاع پرونده به مرحله اجرای احکام در دادگستری شهرستان بندر امام، مبالغ مربوطه از حساب شرکت کسر و به کارکنان پرداخت شده است. با این حال، مدیریت جدید شرکت در واکنش به این روند قانونی، اقدام به اعمال محدودیتهای مالی جدید کرده است.»



*جمعی از کارگران شهرداری زنجان مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند و با برخورد نادرست یکی از اعضای شورای شهر مواجه شدند. به گزارش ایلام، علی اصغر نجاری، دبیر اجرایی خانه کارگر استان زنجان، درباره تجمع کارگران شهرداری و حواشی آن گفت: «در روزهای اخیر، مطالبات کارگران شهرداری شنیده نشد و آنها برای پیگیری بازگشت اضافه‌کارهای شان، تجمعی مسالمت‌آمیز برگزار کردند.»

*جمعی از کارگران شهرداری زنجان مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند و با برخورد نادرست یکی از اعضای شورای شهر مواجه شدند. به گزارش ایلام، علی اصغر نجاری، دبیر اجرایی خانه کارگر استان زنجان، درباره تجمع کارگران شهرداری و حواشی آن گفت: «در روزهای اخیر، مطالبات کارگران شهرداری شنیده نشد و آنها برای پیگیری بازگشت اضافه‌کارهای شان، تجمعی مسالمت‌آمیز برگزار کردند.»

رویدادهای هنری ماه (اردیبهشت ۱۴۰۵)

سینما - تلویزیون

موج مخالفت هنرمندان با ادغام پارامونت و برادران وارنر



در پی اعلام مذاکرات برای ادغام دو غول صنعت سرگرمی، «پارامونت» و «برادران وارنر دیسکوری»، موجی بی‌سابقه از اعتراض در میان هنرمندان هالیوود شکل گرفته است. بیش از چهار هزار هنرمند، فیلمساز، بازیگر و نویسنده با امضای یک نامه سرگشاده، نسبت به پیامدهای این ادغام هشدار داده‌اند.

در این نامه که نام چهره‌هایی چون «فلورنس پیو»، «پدرو پاسکال»، «ادوارد نورتون»، «سوفیا کوپولا»، «دنی ویلنوو» و ۷۵ چهره برنده اسکار در آن دیده می‌شود، ادغام پیشنهادی «تهدیدی جدی برای تنوع فرهنگی، رقابت سالم و آینده خلاقیت در سینما» توصیف شده است.

امضاکنندگان تأکید می‌کنند که ادغام دو استودیوی بزرگ، تعداد بازیگران اصلی صنعت فیلمسازی آمریکا را به چهار استودیو کاهش می‌دهد؛ وضعیتی که به باور آنان، «تمرکز خطرناک قدرت» ایجاد کرده و تولید آثار مستقل و میان بودجه را با خطر نابودی روبرو می‌کند. در این نامه همچنین هشدار داده شده که این روند می‌تواند به کاهش فرصت‌های شغلی و تضعیف امنیت شغلی هنرمندان منجر شود.

برخی از هنرمندان از جمله مارک رافالو اعلام کرده‌اند که بسیاری از همکاران شان به دلیل نگرانی از قرار گرفتن در «لیست سیاه» حاضر به امضای علنی نامه نشده‌اند، اما مخالفت گسترده در پشت صحنه وجود دارد.

مارک روفالو در یادداشتی در «نیویورک تایمز» نوشته: «کسی چه می‌داند، اگر بتوانیم این الیگارش‌ری را که سعی در به دست گرفتن کنترل برنامه‌های تلویزیونی و سینماهای ما دارند شکست دهیم، شاید بتوانیم این کار را در جاهای دیگر نیز انجام دهیم.»

روایت یک کابوس در «زندانی ۹۵۱»؛ جایزه برای نرگس رشیدی

نرگس رشیدی، بازیگر ایرانی-آلمانی، توانست برای بازی تأثیرگذار خود در نقش «نازنین زاغری-ترکلیف»، در مراسم اعطای جوایز تلویزیونی «بفتا» (آکادمی هنر فیلم و تلویزیون بریتانیا) جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن را از آن خود کند.

این جایزه برای بازی در سریال کوتاه و چهار قسمتی «زندانی ۹۵۱» به او اهدا شد؛ سریالی که روایتگر شش سال بازداشت و دشواری‌های زندگی این شهروند بریتانیایی-ایرانی در ایران است.

بقیه در صفحه ۱۴

هنر مقاومت

گلرخ ایرایی و علی اسداللهی برنده جایزه آزادی نوشتار انجمن قلم آمریکا شدند



تهیه‌کننده و کارگردان ایرانی، همراهی می‌کردند. او در سخنانی به «روزهای بسیار دشوار مردم ایران» اشاره کرد که به گفته او «بدون اینترنت، با خبرهای روزانه اعدامها در جمهوری اسلامی و سایه سنگین جنگ» سپری می‌شود.

پگاه آهنگرانی می‌گوید که از میان پنج پرتزه از خویشوندان و استادانش و پنج شکل از مقاومت، در این فیلم داستان زندگی خودش را روایت کرده است.

به گفته خانم آهنگرانی او با استفاده از آرشیوهای شخصی، ویدیوهای خانگی، تصاویر اعتراضات خیابانی، روزنامه‌ها و صداهای ضبط‌شده، بیش از ۴۰ سال از تاریخ ایران را بازخوانی کرده است.

استعفای دسته‌جمعی هیات داوران نمایشگاه هنر ونیز



در پی تصمیم برگزارکنندگان نمایشگاه هنر «بینال ونیز» برای بازگرداندن روسیه به این رویداد هنری، تمام اعضای هیات داوران بین‌المللی در آستانه افتتاح دوره ۲۰۲۴ این نمایشگاه استعفا کردند.

برگزارکنندگان این رویداد دوسالانه که از معتبرترین رویدادهای هنر معاصر جهان است، بدون اعلام دلیل این استعفا، تنها به این نکته اشاره کردند که این تحول یک هفته پس از آن رخ می‌دهد که هیات داوران اعلام کرده بود آثار هنرمندان کشورهایی را که رهبران شان در دیوان کیفری بین‌المللی با اتهام‌هایی روبرو هستند، بررسی نخواهد کرد.

این تصمیم در عمل روسیه و اسرائیل را شامل می‌شد. دیوان کیفری بین‌المللی برای ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در ارتباط با جنگ اوکراین حکم بازداشت صادر کرده و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، نیز در این دیوان و در ارتباط با جنگ غزه با اتهام‌های «جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت» روبرو است.

استعفای دسته‌جمعی این هیات مناقشه‌ای را تشدید کرده است که از اوایل ماه مارس (اسفند ۱۴۰۴) و پس از اعلام بازگشت روسیه به بینال ونیز آغاز شد. این نخستین حضور روسیه در این رویداد از زمان آغاز تهاجم نظامی این کشور به اوکراین در سال ۲۰۲۲ خواهد بود.

«پیتر آنجلو بوتافوکو»، رئیس بینال ونیز، از این تصمیم عقب‌نشینی نکرده و گفته این جشنواره «فضایی برای همزیستی کل جهان» و بدون سانسور است. برگزارکنندگان اعلام کردند که برای نخستین بار به بازدیدکنندگان اجازه خواهند داد از میان همه شرکت‌کنندگان، از جمله هنرمندان روسیه و اسرائیل، گزینه‌های مورد علاقه خود را انتخاب کنند.

انجمن قلم آمریکا جایزه «آزادی نوشتار» ۲۰۲۴ خود را به دو ایرانی اهدا کرد. گلرخ ایرایی، شاعر، فعال مدنی و سیاسی، و علی اسداللهی، شاعر و فعال مدنی، دو برنده این جایزه هستند. «سامر لویز»، از مدیران انجمن قلم آمریکا گفت که اهدای جایزه به این دو شاعر «توجه‌ها را به آنها جلب می‌کند. این دو نمادی از دور تازه سرکوب حکومت سرکوبگر، و تعقیب و محاکمه نویسندگان و فعالان اجتماعی در ایران هستند.» خانم لویز گفت: «این دو شجاعت و خلاقیتی را معنا می‌کنند که برای بیان آزادانه عقایدشان در برابر آزار و اذیت بی‌امان لازم داریم.»

انجمن قلم با اشاره به این که خانم ایرایی در دهه گذشته چند بار بازداشت و به اتهام‌های مختلف زندانی شده، نوشت که «او شجاعانه و بدون ترس از هزینه دادن، بر آنچه که درست است پامی فشار داد.»

همچنین وضعیت علی اسداللهی که از زمان جنگ دوازده روزه در زندان بود، مورد توجه انجمن قلم قرار گرفت. بیانیه انجمن قلم می‌نویسد: «آقای اسداللهی «در خانه‌اش با خشونت بازداشت شد» و بدون دسترسی به وکیل زندانی شد. او در دوران بازداشت بارها بازجویی طولانی‌مدت شده و همچنین پیش از آزادی‌اش برای اعترافات ساختگی تحت فشار بوده است. وضعیت علی اسداللهی نشان می‌دهد که دولت ایران صدای مخالفان را با شدت خفه می‌کند.»

«تمرینهایی برای یک انقلاب» در کن



فیلم «تمرینهایی برای یک انقلاب»، ساخته پگاه آهنگرانی در بخش ویژه هفتادونهمین دوره جشنواره کن به نمایش درآمد و با استقبال تماشاگران روبرو شد.

پس از نمایش این فیلم، خانم آهنگرانی، اثر خود را به مادرانی تقدیم کرد که فرزندان شان را در راه مبارزه برای آزادی از دست داده‌اند.

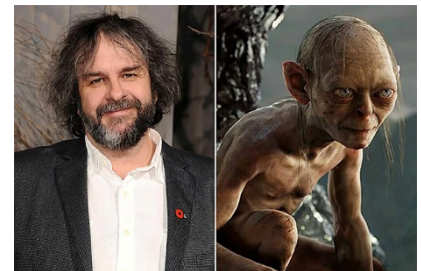
در مراسم ویژه نمایش فیلم، خانم آهنگرانی را همسرش علی عظیمی، خواننده و آهنگساز، و مادرش منیژه حکمت،

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۱



سریال «زندانی ۹۵۱» که نوامبر سال گذشته از شبکه بی‌بی‌سی پخش شد، بر اساس واقعیت‌های تکانه‌دهنده دستگیری نازنین زاغری در آوریل ۲۰۱۶ ساخته شده است. نازنین زاغری که در آن زمان ۳۷ ساله بود، پس از سفری خانوادگی برای معرفی دختر ۲۲ ماهه‌اش، گابریلا، به والدین خود، در فرودگاه توسط ماموران سپاه پاسداران بازداشت شد. این سریال به کارگردانی «فلپا لوئورپ»، مسیر دشوار شش ساله‌ای را به تصویر می‌کشد که با اتهامات «جاسوسی»، بازجویی‌های طولانی، سلول انفرادی و اعتصاب غذا همراه بود. نرگس رشیدی برای درک عمیق‌تر این نقش، به پیشنویس کتاب خاطرات در دست انتشار نازنین و همسرش با عنوان «یک وجب از آسمان» مراجعه کرده بود. او که خود بخشی از کودکی‌اش را در ایران گذرانده و در هفت سالگی به آلمان مهاجرت کرده، می‌گوید پیشینه ایرانی‌اش کمک شایانی به ایفای این نقش کرده است. او می‌گوید: «من ایران دهه ۸۰ میلادی (دهه ۶۰ خورشیدی) را تجربه کرده‌ام. دوران جنگ ایران و عراق را دیده‌ام و با دشواری‌هایی که مردم ایران، به ویژه زنان، با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، کاملاً آشنا هستم.»



«پیتر جکسون»، کارگردان سه‌گانه مشهور «ارباب حلقه‌ها»، در جشنواره کن از هوش مصنوعی در سینما دفاع کرد و گفت برخلاف بسیاری از منتقدان، با استفاده از هوش مصنوعی در فیلمسازی مشکل اساسی ندارد.

او در جریان یک مسترکلاس پس از دریافت نخل طلای افتخاری کن گفت که هوش مصنوعی برای او تفاوت چندانی با جلوه‌های ویژه سنتی ندارد و آن را صرفاً ابزاری تازه در فرآیند تولید فیلم می‌بیند. او هوش مصنوعی در حوزه سینما را بخشی طبیعی از تحول تکنولوژیک هنر هفتم توصیف کرد. جکسون از فضای فعلی هالیوود که نسبت به هوش مصنوعی بدبین است انتقاد کرد و گفت این نگرانیها باعث شده بازیگران «ضبط حرکت» Motion capture مانند

«اندی سرکیس» هرگز آنطور که شایسته‌اند در جوایز سینمایی دیده نشوند.

جکسون تأکید کرد بازی گالوم در «ارباب حلقه‌ها» یک اجرای کاملاً انسانی بود و نه محصول هوش مصنوعی. به گفته او، سرکیس تمام احساسات، حرکات، و شخصیت گالوم را خودش خلق کرده، و فناوری تنها وسیله انتقال آن اجرا بوده است. او این وضعیت را برای بازیگران «ضبط حرکت» ناعادلانه توصیف کرد.

موزه - نمایشگاه

بودجه هنر در آمریکا زیر تیغ ترامپ



بر اساس گزارش اتحادیه موزه‌های آمریکا، ۳۴ درصد از مدیران موزه‌ها کاهش یا لغو کمک‌های مالی دولتی را گزارش داده‌اند. ۵۰ درصد از موزه‌ها مجبور به اخراج کارمندان شده‌اند و برنامه‌های مربوط به دانش‌آموزان، جوامع روستایی، معلولان و سالمندان لغو شده است.

طبق نظرسنجی اتحادیه موزه‌های آمریکا از ۵۱۱ مدیر موزه، یک‌سوم موزه‌ها کمک‌های دولتی خود را از دست داده‌اند. دوسوم موسسات آسیب‌دیده هنوز نتوانسته‌اند جایگزینی پیدا کنند و تنها ۸ درصد توانسته‌اند از طریق کمک‌های خصوصی کسری را جبران کنند.

یک‌چهارم موزه‌ها برنامه‌های تخصصی برای دانش‌آموزان، مخاطبان روستایی، افراد معلول و سالمندان را لغو کرده‌اند. یک‌دهم کارمندان خود را اخراج کرده‌اند. موزه «کالیفرنیا هیستوریکال سوسایتی» در سان‌فرانسیسکو، «مرکز هنر ایتالیایی مدرن» در نیویورک و «موزه هنر بلویو» در واشینگتن کاملاً تعطیل شده‌اند.

این درحالی است که دولتی که بودجه هنری عمومی را در مرز صفر می‌خواهد، همزمان در میهمانی شب سال‌نو در «مار-آ-لاگو» Mar-a-Lago (ملک خصوصی ترامپ)، ۲.۷۵ میلیون دلار برای یک تابلوی دهنده‌دقیقه‌ای پرداخت می‌کند.

بینال ونیز صحنه تنش و اعتراض



در ۸ مه، یک اعتصاب ۲۴ ساعته توسط اتحادیه‌های کارگری ایتالیایی و ائتلاف‌های فراملیتی هنرمندان، «بینال ونیز» را متوقف کرد. این اقدام در پاسخ به فراخوان اتحاد «هنر نه نسل‌کشی» (ANGA) صورت گرفت و به گفته این گروه، بزرگ‌ترین اعتصاب از این دست در تاریخ بینال بوده است.

این اعتصاب ۲۷ سالن از ۱۰۰ پاپیون ملی بینال را برای یک روز تعطیل کرد.

نخستین اثری که بازدیدکننده در ورودی نمایشگاه اصلی «در کلیدهای کوچک» با آن روبرو می‌شوند، شعری از «عرفت العریع»، شاعر و استاد فلسطینی، است که در دسامبر ۲۰۲۳ در غزه کشته شد. این شعر به نماد جنبش حامی فلسطین تبدیل شده است.

ونیز به عنوان مرکز فرهنگ بارها در مرکز اعتراضات علیه نسل‌کشی اسرائیل و ماجراجویی‌های کلان‌ثروتمندان بوده است. در سال ۲۰۲۴، بیش از ۲۲ هزار هنرمند طوماری را امضا کردند که خواستار حذف اسرائیل از بینال ونیز بود و استدلال کردند که «هنر پلتفرمی که دولتی را نمایندگی می‌کند که در حال انجام جنایات مداوم علیه فلسطینیان در غزه است، غیرقابل قبول است. نه به غرض نسل‌کشی در بینال ونیز!»

ادبیات

ایران در رده دوم شمار نویسندگان زندانی در جهان

The top 10 countries that jailed writers in 2025

Rank	Country	Number of Writers Jailed
1	China*	119
2	Iran	53
3	Saudi Arabia	27
4	Vietnam	24
5	Türkiye	22
6	Israel**	21
7	Russia	18
8	Belarus	17
9	Egypt	13
10	Myanmar	10

*Including autonomous regions
**Including the Occupied Palestinian Territory
Data from the Freedom to Write Index 2025

انجمن قلم آمریکا در تازه‌ترین گزارش سالانه خود درباره وضعیت آزادی بیان در جهان اعلام کرد شمار نویسندگان زندانی در سال ۲۰۲۵ برای نخستین بار از سال ۲۰۱۹ که این شاخص منتشر می‌شود، از مرز ۴۰۰ نفر عبور کرده است. این گزارش که روز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت منتشر شد، می‌گوید در سال ۲۰۲۵ میلادی در مجموع ۴۰۱ نویسنده در ۴۴ کشور زندانی بوده‌اند. درحالی‌که این رقم در سال پیش ۳۷۵ نفر در ۴۰ کشور بود.

بر اساس این گزارش، چین همچنان بزرگ‌ترین زندان نویسندگان در جهان است و با ۱۱۹ مورد در صدر فهرست قرار دارد. ایران با ۵۳ نویسنده زندانی در رتبه دوم ایستاده و به‌گفته پین آمریکا، شدیدترین افزایش بازداشتها در ایران طی سال گذشته رخ داده است.

این سازمان می‌گوید مقامهای جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۵ دستکم ۱۷ بازداشت تازه انجام دادند و شمار نویسندگان زندانی را بار دیگر به سطح دوران اعتراضهای «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ نزدیک کرده‌اند.

در میان افرادی که نام آنها در گزارش آمده، از حسین رونقی، فعال مدنی و تحلیلگر آنلاین، پرویز صداقت و محمد مالجو، اقتصاددان، مهسا اسدالله‌نژاد، جامعه‌شناس، و شیرین کریمی، نویسنده و مترجم، نام برده شده است.

بقیه در صفحه ۱۸

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۴۸ تن از زندانیان اعدام شده در اردیبهشت ۱۴۰۵

چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت: محمدتقی شاه ویسی و سیروس رمضان در کرمانشاه/ شهاب عظیمی در اردبیل/ بهنام عبدی در قزوین. **۴ نفر**

یکشنبه ۲۰ اردیبهشت: امید صادقی سوری در تبریز. **۱ نفر**

دوشنبه ۲۱ اردیبهشت: عرفان شکورزاده، در کرج. **۱ نفر**
سه شنبه ۲۲ اردیبهشت: یونس براهویی (زیرکاری) در بیرجند/ عبدالجلیل شه بخش در زاهدان/ ناصر لنگرانی در گرگان. **۳ نفر**

چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت: احسان افروشته در کرج/ حیدر بامری (مرادخانی) و مهدی بامری (مرادخانی) در کرمان/ رضا سلیمانی، اقبال ارغنده در کرج و محمد عباسی در کرج. **۵ نفر**

جمعه ۱۱ اردیبهشت: قتل حسام علا الدین بر اثر شکتجه در تهران. **۱ نفر**



حسام علاالدین

عدالت واقعی در سوله های اعدام متولد نمی شود؛ بلکه در قلب بیدار، در آموزش و در دادگاههای عادلانه شکوفای می شود.

بیانیه کارزار سه شنبه های نه به اعدام، سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

سه شنبه اول اردیبهشت: امیرعلی میرجعفری در کرج.



امیر علی میرجعفری

شنبه ۱۲ اردیبهشت: ناصر بکرزاده و یعقوب کریم پور در ارومیه. **۲ نفر**



ناصر بکرزاده و یعقوب کریم پور

چهارشنبه ۲ اردیبهشت: مهدی فرید در تهران/ جعفر فخرآبادی در یزد/ اکبر مولایی و جواد عابدی در تبریز. **۴ نفر**
پنجشنبه ۳ اردیبهشت: سلطان علی شیرزادی فخر. **۱ نفر**

جمعه ۴ اردیبهشت: محمدمهدی و کیلی. **۱ نفر**

شنبه ۵ اردیبهشت: عرفان کیانی در اصفهان. **۱ نفر**

یکشنبه ۶ اردیبهشت: عامر رامش در زاهدان. **۱ نفر**



احسان افروشته

یکشنبه ۱۳ اردیبهشت: پیمان محمدی، محمدرضا محمدی، عباس رحیمی آذر و مهدی یادفر در اصفهان/ مهدی رسولی، محمدرضا میری و ابراهیم دولت آبادی نژاد در مشهد/ محراب عبدالله زاده در ارومیه/ یحیی سبحانی در ساری. **۹ نفر**



پیمان محمدی، محمدرضا محمدی، عباس رحیمی آذر و مهدی یادفر



عامر رامش

چهارشنبه ۹ اردیبهشت: جمال حسن زاده در رشت. **۱ نفر**

پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت: ساسان آزادوار جونتقانی در اصفهان. **۱ نفر**

شنبه ۲۶ اردیبهشت: ابراهیم فرهادی توپکانلو در تربت حیدریه. **۱ نفر**

یکشنبه ۲۷ اردیبهشت: محمدرئوف مجیدی در بوکان/ سعید رحمانی راد، علی رضا میرزازاده و حجت محمودیان در شیراز. **۴ نفر**

چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت: اسما زارعی در اردبیل/ بهمن فرزانه. **۲ نفر**

پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت: رامین زله و کریم معروف پور در زندان نطقه. **۲ نفر**

جا مانده از ماه پیش

دوشنبه ۱۷ فروردین: علی نادر العبیدی و فاضل شیخ کریم در کرج. **۲ نفر**

یکشنبه ۳۰ فروردین: حنیفه آوندی در تبریز. **۱ نفر**



محراب عبدالله زاده

دوشنبه ۱۴ اردیبهشت: قاسم نوری رودینی و مسعود شیرزاد در اصفهان. **۲ نفر**



ساسان آزادوار

زنان در مسیر رهایی (اردیبهشت ۱۴۰۵)

اسد طاهری

به گفته اداره فدرال پلیس جنایی آلمان، مظنونان به تجاوز عمدتاً دوستان، آشنایان یا شریکان فعلی یا سابق قربانی بوده‌اند و در ۹۸٫۶ درصد موارد نیز مرد بوده‌اند.

هولگر موش، رئیس اداره فدرال پلیس جنایی آلمان، اعلام کرد که این افزایش می‌تواند به تمایل بیشتر قربانیان به گزارش دهی نیز مربوط باشد.

علاوه بر این، آمار مزبور نشان می‌دهد که موارد مربوط به خرید، نگهداری و تولید محتوای پورنوگرافی نوجوانان نیز به شکل قابل توجهی افزایش یافته است.

همچنین در جرایمی مانند قتل، آدم‌کشی و کمک به خودکشی، افزایشی ۶٫۵ درصدی ثبت شده است. آمار جنایی پلیس آلمان همچنین از افزایش جرایم در حوزه سرقت از منازل و کلاهبرداری‌های رایانه‌ای و خدماتی خبر می‌دهد.

آمار جنایی پلیس آلمان سالهاست مورد انتقاد قرار می‌گیرد، زیرا به گفته منتقدان، تنها "بخش آشکار" جرایم، یعنی جرایم گزارش شده، را ثبت می‌کند.

اقدام بی‌سابقه فیفا؛ اجازه شرکت تیم فوتبال زنان افغانستان در تبعید



خالد پوپال، کاپیتان سابق ملی فوتبال افغانستان، در این خصوص گفت این اقدام آنها را به «نماد مقاومت» تبدیل خواهد کرد.

افغانستان از دسامبر ۲۰۱۸ تاکنون در هیچ مسابقه بین‌المللی رسمی بازی نکرده است.

بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱ باعث اعمال محدودیتهایی بر حقوق زنان شد، از جمله ممنوعیت ورزش زنان که بسیاری از بازیکنان را مجبور به درخواست پناهندگی در خارج از کشور کرد. مقررات قبلی فیفا مانع از آن می‌شد که این نهاد تیمی را به‌طور قانونی به رسمیت بشناسد، مگر آنکه توسط فدراسیون عضو خود - در این مورد فدراسیون فوتبال افغانستان - تأیید شده باشد.

کاهش سطح ریاضیات دانش‌آموزان دختر



بقیه در صفحه ۱۷

در ولسوالی پودوکوتای در جنوب هند، که در ۳۸۹ کیلومتری شهر چنای واقع شده، این طرح به نام «روند روشنایی بخش» یاد می‌شود.

براساس آمار سال ۱۹۹۱، کمتر از نیمی از زنان ولسوالی سواد خواندن و نوشتن داشتند، حدود ۲۷۰ هزار زن بی‌سواد بودند. کانامال یکی از برگزارکنندگان که در جلسات تصمیم‌گیری آن روند حضور داشت، می‌گوید: «در جریان جلسه ایده پردازی این روند، روشن شد که زنان می‌توانند از این طرح بستر سود ببرند.»

برگزارکنندگان کارزار سوادآموزی تخمین زدند که به ۳۰ هزار داوطلب برای آموزش زنان نیاز دارند، در واقع همین امر نقطه آغاز طرح دوچرخه سواری شد.

چالش دیگر این بود که خانواده زنان بی‌سواد توقع داشتند مریبان زن باشند، اما در آن زمان کمی وسیله حمل و نقل شخصی داشتند.

شیلا رائی چونکات، از مقامهای محلی آن زمان گفت: «در آن زمان زنان به دوچرخه و یا موتورسیکلت برقی دسترسی نداشتند. نمی‌توانستند به تنهایی سفر کنند. فکر کردم مهم است که فرصتی برای زنان ایجاد شود.»

او می‌گوید: «دوچرخه سواری به زنان حس آزادی و اعتماد به نفس داد.»

کانامال می‌گوید: «برخی مقامها با استخدام داوطلبان زن مخالف بودند و می‌گفتند که زنان نمی‌توانند به روستاهای دورافتاده سفر کنند. اما ولسوال (چونکات) این استدلال را رد کرد.»

افزایش خشونت جنسی باوجود کاهش اندک جرایم در آلمان



شمار جرایم ثبت شده در آلمان، برای نخستین بار نسبت به سال ۲۰۲۲، اندکی کاهش یافته است. براساس آمار جنایی پلیس آلمان، حدود پنج و نیم میلیون جرم در سال گذشته میلادی ثبت شده است. این رقم نشانگر کاهشی ۵٫۶ درصدی است.

الکساندر دویرینت، وزیر کشور آلمان، روز دوشنبه ۲۰ آوریل (۳۱ فروردین) هنگام ارائه این آمار اعلام کرد که یکی از دلایل این کاهش، قانونی شدن نسبی مصرف ماری جوانا بوده است.

همچنین شمار جرایم خشونت‌آمیز اندکی کاهش یافته و به ۲۱۲ هزار و ۳۰۰ مورد، یعنی ۲٫۳ درصد کمتر نسبت به سال ۲۰۲۴، رسیده است. در سرقتهای نیز کاهشی ۶٫۵ درصدی ثبت شده است. در مقابل، پلیس پیرامون رابطه با تجاوز، اجبار در رابطه جنسی و تعرض شدید جنسی، با ۱۴ هزار و ۴۵۴ مورد (معادل ۸٫۵ درصد افزایش) جرایم بیشتری را ثبت کرده است.

بیش از ۸۰ روز از جنگ ارتجاعی می‌گذرد و در حالی که چشم انداز آن هنوز شفاف نیست، رژیم در مورد شکست اسرائیل و امریکا مدیحه سرایی می‌کند. فاجعه قطعی اینترنت میلیونها تن از زحمتکشان که زندگی و معیشت آنان از طریق اینترنت تأمین مس شد، به فاجعه کشیده شده و در مقابل سرمایه‌داران و کارفرمایان سود خود را می‌برند.

نخستین قربانیان اخراج، بیکار سازی و ازان سازی نیروی کار، زنان کارگر و زحمتکش هستند؛ زنانی که عمدتاً در مشاغل موقت، بی‌ثبات و فاقد بیمه، کار می‌کنند و حتی بیکاری‌شان نیز در آمار رسمی جای ندارد.

امروز هزاران زن، از کارگاهها تا بیمارستانهای دولتی و خصوصی، به بهانه «شرایط جنگی» از کار رانده می‌شوند. پرستارانی که در روزهای بمباران و ناامنی برای حفظ جان خود شهر را ترک کردند، اکنون با حکم اخراج روبه‌رو شده‌اند؛ همان مدیرانی که آن روزها سکوت کرده بودند، امروز غیبت را «ترک خدمت» می‌نامند تا نیروی کار ارزان تر و مطیع تر جایگزین کنند.

این فقط یک بحران اقتصادی نیست؛ چهره واقعی نظامی است که جنگ، سرمایه‌داری و زن ستیزی را به هم گره زده است. در این نظم، زنان همیشه نخستین اخراجیها، ارزان‌ترین نیروی کار و بی‌دفاع‌ترین قربانیان‌اند.

جنگ ارتجاعی را حاکمان آغاز می‌کنند، اما هزینه‌اش را فرودستان، زنان، کودکان و طبقه کارگر می‌پردازند.

کمک دوچرخه سواری به زنان هندی برای زندگی بهتری داشته؟



جایا چیترا، ۵۵ ساله می‌گوید؛ هند در ۱۹۴۷ یک کشور مستقل شد، اما من استقلال خود را ۱۹۹۲ گرفتم و به عنوان سر معلم یک مدرسه در جنوب هند شروع به کار کردم. جایا چیترا ۳۳ ساله بود که یکی از مقامهای محلی با اضافه کردن یک تغییر کوچک اما اساسی به مأموریت سوادآموزی ملی هند، زنان را به دوچرخه سواری تشویق کرد.

جایا چیترا یکی از ۱۰۰ هزار زن از خانواده‌های محافظه‌کار روستایی بود که بیشترشان حتی تجربه بیرون رفتن از خانه را نداشتند. این زنان با دوچرخه سواری صاحب آزادی، تحرک و استقلال شدند.

برخی از این زنان که در اوایل دهه ۹۰ میلادی دوچرخه سواری یاد گرفتند، توانستند کاری با درآمد خوب پیدا کرده و آینده بهتری برای فرزندان خود بسازند

مأموریت سوادآموزی ملی که در سال ۱۹۸۸ راه‌اندازی شد، به زنان کمک کرد سواد خواندن و نوشتن یاد بگیرند و از حقوق اساسی خود آگاه شوند.

سرمایه‌گذاری در آموزش ابتدایی شد و تاکید کرد این اقدامات برای آینده سلامت، آموزش و اقتصاد افغانستان حیاتی است.

افزایش نمایش‌های نظامی زنان در ایران؛ واقعیت، روایت یا پروپاگاندا؟



در حالی که مطالبات زنان برای حقوق پایه‌ای در ایران در سالهای اخیر افزایش یافته، انتشار تصاویر زنانی با سلاح در خیابانها، در قالب رژه‌ها و نمایشهای نظامی، پرسشهای تازه‌ای را درباره نحوه بازنمایی زنان در روایت رسمی جمهوری اسلامی مطرح کرده است.

در روزهای اخیر، انتشار تصاویری از رژه گروههایی از زنان مسلح در نقاط مختلف ایران، از جمله رشت، تهران، مشهد، قم، بوشهر، قزوین، استان کهگیلویه و بویراحمد و ... توجه گسترده‌ای را در شبکه‌های اجتماعی و برخی رسانه‌ها جلب کرده است. در این تصاویر، زنانی دیده می‌شوند که با دست داشتن سلاحهایی مانند کلاشینکف یا حضور در خودروهای زرهی مجهز به تیربار، در قالب کاروان‌های نمایشی یا رژه‌های خیابانی حرکت می‌کنند.

در این تصاویر همچنین فرماندهان نظامی و سپاه پاسداران نیز دیده می‌شوند که در کنار این زنان شعارهایی در حمایت از حکومت سر می‌دهند.

برخی از این تصاویر از سوی رسانه‌های داخلی نیز بازتشر شده‌اند. برای نمونه، گزارشهایی درباره «رژه زنان مسلح» یا «حضور دختران انقلابی با خودروهای مسلح» در رسانه‌هایی مانند تابناک منتشر شده و خبرگزاری ایسنا نیز از «رژه بانوان جان‌فدای رسانه‌ای در رشت» به عنوان جلوه‌ای از نقش زنان در «جهاد رسانه‌ای» یاد کرده است.

همچنین فرماندهان سپاه هم با تاکید بر اهمیت چنین حرکتهایی از آنچه آنها «جهاد زنان» در حمایت از ایدئولوژی جمهوری اسلامی نام می‌برند تاکید می‌کنند.

با این حال، همزمان با انتشار این تصاویر، تردیدهایی نیز درباره ماهیت و هدف از برگزاری چنین نمایشهایی مطرح شده است. شماری از ناظران این تحرکات را در چارچوب تلاشهای تبلیغاتی حکومت ایران ارزیابی می‌کنند که هدف آن نمایش آمادگی، بسیج عمومی و مشارکت اقشار مختلف جامعه، از جمله زنان در ساختارهای امنیتی و ایدئولوژیک است.

در روایت رسمی رسانه‌های نزدیک به حکومت، این رژه‌ها به‌عنوان نشانه‌ای از «حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف دفاعی و فرهنگی» معرفی می‌شوند. تاکید بر ترکیب «زن»، «سلاح» و «میدان» در این تصاویر، از نگاه تحلیلگران، می‌تواند حامل پیامی دوگانه باشد: از یک سو نمایش اقتدار و آمادگی و از سوی دیگر بازتعریف نقش زنان در چارچوب گفتار رسمی جمهوری اسلامی.

در سالهای گذشته نیز نهادهایی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج بارها تلاش کرده‌اند تصویری از مشارکت زنان در حوزه‌های مختلف، از امداد و پشتیبانی تا آموزش‌های



بازداشت‌شده، خبر می‌دهند. در یکی از موارد، یک زن جوان مدعی شده است در جریان بازجویی تحت آزار جنسی و خشونت فیزیکی قرار گرفته است.

هم‌زمان، منابع حقوق بشری از ادامه بازداشت‌های گسترده، محدودیت ارتباطات، قطع اینترنت در برخی مناطق و افزایش فشار بر روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی خبر می‌دهند.

در بخش دیگری از گزارش‌ها مدیا لاین به نقل از جرورالم پست آمده است که سه زندانی سیاسی زن شامل شریفه محمدی، پخشان عزیزی و وریشه مرادی پس از تأیید احکام اعدام، در معرض خطر اجرای حکم قرار دارند.

حذف ۲۵ هزار معلم و کادر درمان زن در افغانستان



صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) در گزارشی تازه هشدار داد که تداوم محدودیت‌ها بر آموزش دختران و اشتغال زنان در افغانستان می‌تواند تا سال ۲۰۳۰ به از دست رفتن بیش از ۲۵ هزار معلم و نیروی درمانی زن منجر شود؛ روندی که پیامدهای جدی برای آموزش، سلامت و آینده اقتصادی این کشور خواهد داشت.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) اعلام کرد افغانستان در صورت ادامه محدودیت‌ها بر آموزش دختران و اشتغال زنان، تا سال ۲۰۳۰ با خطر از دست دادن حدود ۲۰ هزار معلم زن و ۵۴۰۰ نیروی بهداشت و درمان مواجه خواهد شد.

بر اساس تحلیل جدید این نهاد با عنوان «هزینه بی‌عملی در قبال آموزش دختران و مشارکت زنان در نیروی کار در افغانستان»، سهم زنان در خدمات دولتی این کشور از ۲۱ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۱۷.۷ درصد در سال ۲۰۲۵ کاهش یافته است. این گزارش هشدار می‌دهد کاهش تعداد زنان متخصص در مدارس و مراکز درمانی، پیامدهای ویرانگری برای آموزش کودکان، شاخص‌های سلامت و فرصت‌های آینده آنان خواهد داشت.

این گزارش به «بحران دوگانه» در افغانستان اشاره می‌کند، بحرانی که از یک سو نیروهای متخصص زن در حال خروج از چرخه کار هستند و از سوی دیگر، نسل جدید دختران از آموزش محروم شده و امکان جایگزینی این نیروها را از دست می‌دهد.

یونیسف در پایان خواستار اقدام فوری برای بازگرداندن حق آموزش دختران در مقاطع متوسطه و عالی و تداوم

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۶

تحقیقی که از سوی یونسکو و انجمن بین‌المللی ارزیابی پیشرفت تحصیلی و بر اساس داده‌های ۴۷۸ کشور و منطقه آماده شده است، نشان داد که در سالهای اخیر سطح دانش‌آموزان دختر در درس ریاضیات به شکل قابل توجهی کاهش یافته است.

طبق این گزارش، نه تنها موفقیت میانگین، بلکه شکاف سطح توانمندی میان جنسیتها نیز افزایش یافته است. این پژوهش نشان می‌دهد؛ به‌ویژه در سالهای اخیر، این تفاوت مذکور دوباره شدت گرفته است.

کارشناسان به تأثیرات پاندمی کووید-۱۹ بر این عقب ماندگی اشاره می‌کنند. گفته می‌شود که تعطیلی طولانی مدت مدارس و فرآیندهای آموزش آنلاین، بیشتر به اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان دختر در ریاضیات و تداوم یادگیری آن‌ها آسیب زده است.

یونسکو برای حل این مساله، فراخوان مداخله در سنین کودکی را صادر کرده است مساله فراخوان مداخله در سنین کودکی را صادر کرده است

نهادهای علوی: کشته شدن و ناپدید شدن زنان مخفی می‌شود

فدراسیون دموکراتیک علوی و اتحادیه زنان علوی دموکراتیک با انتشار بیانیه‌ای مشترک تصریح کردند که خشونت علیه زنان و ناپدید شدن آنها رویدادهایی انفرادی نیستند و: «محصول یک سیستم برنامه‌ریزی شده و مداوم است.»

در این بیانیه خاطر نشان شد که در میان نهادهای دولتی سوریه یک «سیستم سکوت» وجود دارد و گفته شد که از میان بردن ادله، پنهان کردن حقیقت و تاخیر در عدالت به عنوان یک ساختار تثبیت شده است.

فدراسیون دموکراتیک علوی و اتحادیه زنان علوی دموکراتیک خاطر نشان کردند که بسیاری از پرونده‌های مشابه مانند روژین کابایش، ایپک آر، رابعه ناز واتان، نادره قدیرووا و یلدانا قهرمان هنوز روشن نشده‌اند که این امر نشان‌دهنده وجود یک مشکل مشترک است.

در این بیانیه از مقامات خواسته شد که تحقیقات موثر و جدی انجام دهند. همچنین تصریح شد که حق حیات زنان نقض شده و خانواده‌ها سالها در وضعیتی از بلاتکلیفی رها شده‌اند. فدراسیون دموکراتیک علوی و اتحادیه زنان علوی دموکراتیک تاکید کردند که آنها از مبارزه برای حقیقت و عدالت دست نخواهند کشید و: «در برابر این تاریکی سکوت نخواهیم کرد؛ چرا که در مبارزه ما سکوتی وجود ندارد. باور علویان این حقیقت را به ما آموخته است: هر جان برابر است، هر جان مقدس است و هر حقیقتی هرچند دیر، اما روشن خواهد شد.»

تشدید سرکوب، اعدام‌ها و فشار ساختاری بر زنان در ایران

بر اساس گزارشهای رسانه‌های حقوق بشری، از جمله «مدیا لاین» که جرورالم پست نیز به آن استناد کرده است، فضای امنیتی در ایران در ماههای اخیر با افزایش بازداشتها، تشدید احکام اعدام و فشار بر مخالفان همراه بوده است.

این گزارشها از افزایش موارد خشونت و بدرفتاری در بازداشتگاهها و زندانهای ایران، به ویژه علیه زنان

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۷

نظامی ارائه دهند. با این حال، نمایش علنی و خیابانی زنان مسلح در قالب رژه‌های عمومی، به‌ویژه با چنین گستردگی، کمتر سابقه داشته و از این نظر توجه‌برانگیز است.

جنگ در سودان: زایمان زنان در کنار جاده



بیش از ۱۵۰ هزار کشته و میلیون‌ها آواره در سودان، سیستم مراقبت‌های بهداشتی در حال سقوط و بودجه کمک‌ها در حال کاهش است. فابریزا فالسیونه، نماینده سازمان ملل متحد در مصاحبه با یورونیوز، از بحرانی می‌گوید که زنان و دختران را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

جنگ در سودان بیش از سه سال است که ادامه دارد. تخمین زده می‌شود که بیش از ۱۵۰ هزار نفر در این درگیری‌ها کشته و حدود ۱۴ میلیون نفر هم آواره شده باشند.

در همین حال، این درگیری به بزرگترین بحران انسانی در جهان تبدیل شده است. اما از آنجا که حامیان مالی قبلی به طور فزاینده‌ای کمک‌های بشردوستانه خود را کاهش داده یا در حال کاهش دادن آن هستند، سازمان‌های کمک رسانی محلی باید کمربندهای خود را بیشتر سفت کنند.

طبق گزارش UNFPA، مراقبت‌های بهداشتی اکنون آنقدر ضعیف است که زنان هنگام فرار مجبور به زایمان در کنار جاده هستند. ۹۳ درصد زنان و دختران در مورد جستجوی خدمات بهداشتی یا کمک اساسی احساس ناامنی می‌کنند. پس زمینه این بحران جنگ مداوم بین ارتش سودان «نیروهای مسلح سودان» و گروه شبه نظامی «نیروهای پشتیبانی سریع» است. از سال ۲۰۲۳، آنها در مبارزه برای قدرت و کنترل در سودان در جنگ هستند. اکثر سیستم‌های بهداشتی در حال حاضر نابود شده است.

شهردار از میر یک دختر دانش آموز محروم از رفتن

به مدرسه شد



مهناز بیلماز، دانش‌آموز افغان از ولایت جوزجان که چند سال پیش همراه با خانواده‌اش به ترکیه مهاجرت کرده، به دلیل استعداد، توانایی و خلاقیت در میان هم‌صنفیهایش مورد توجه قرار گرفته و برای شرکت در این برنامه برگزیده شده است.

این برنامه در چارچوب طرح‌های آموزشی ترکیه با هدف تقویت نقش اجتماعی کودکان، به‌ویژه دختران، برگزار می‌شود و همه‌ساله در ماه اپریل عملی می‌گردد.

مسئولان آموزشی گفته‌اند که چنین برنامه‌هایی به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های رهبری، اعتماد به‌نفس و حضور اجتماعی خود را تقویت کنند و برای نقش‌آفرینی در آینده آماده شوند.

این در حالی است که نهادهای بین‌المللی از بسته ماندن دروازه‌های مکتب‌ها به روی دختران، ابراز نگرانی کرده و هشدار داده‌اند که با دوام این وضعیت، افغانستان در آینده در بخش‌های صحتی و آموزشی با کمبود کارمندان زن مواجه خواهد شد.

خشونت آنلاین علیه زنان در حال افزایش است



سازمان ملل متحد هشدار می‌دهد که زنان در عرصه عمومی با خشونت آنلاین فزاینده‌ای روبرو هستند. زنان در عرصه عمومی با اشکال رو به رشد و پیچیده‌تر خشونت آنلاین روبرو هستند و «تجاوز مجازی» با کمک هوش مصنوعی اکنون در دسترس عاملان این خشونت قرار دارد.

گزارشی از سوی زنان سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که فعالان حقوق زنان، روزنامه‌نگاران و دیگر فعالان ارتباطات عمومی به دلیل ترکیبی از هوش مصنوعی، ناشناس بودن و عدم وجود قوانین و پاسخگویی مؤثر، با تهدید فزاینده‌ای روبرو هستند.

از بیش از ۱۵۰۰ زن در عرصه عمومی، ۶٪ گفته‌اند که قربانی دیپ فیک شده‌اند، در حالی که تقریباً یک سوم گفته‌اند که به صورت آنلاین درخواست‌های جنسی ناخواسته دریافت کرده‌اند. حدود ۱۲٪ نیز گفته‌اند که تصاویری از خودشان بدون رضایت شان، از جمله محتوای صمیمی یا جنسی، به اشتراک گذاشته شده است.

«کالیوپی مینگیرو» که رهبری تلاش‌های زنان سازمان ملل متحد برای پایان دادن به خشونت علیه زنان را بر عهده دارد، گفت: «هوش مصنوعی سوءاستفاده را آسان‌تر و آسیب‌زاتر می‌کند.

این گزارش که روز پنجشنبه منتشر شد، به شواهد فزاینده‌ای اضافه می‌شود که نشان می‌دهد برای میلیون‌ها زن و دختر در سراسر جهان، فضای دیجیتال به فضایی مترادف با سوءاستفاده تبدیل شده است.

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۴

پن آمریکا همچنین به بازداشت دوباره نرگس محمدی، برنده جایزه نوبل صلح، و سپیده قلیان اشاره کرده که به‌گفته این سازمان در جریان یک مراسم یادبود در آذر ماه سال پیش به‌طور خشونت‌آمیز بازداشت شدند.

«شورش»، رمانی آتشین درباره شورش زنان



رمان تازه «تهمیما آنام» *Tahmima Anam* با عنوان «شورش» *Uprising* تصویری آتشین و تکان‌دهنده از مقاومت زنان در برابر فقر، خشونت ساختاری و بحران اقلیمی ارائه می‌دهد. داستان در جزیره‌ای دورافتاده در بنگلادش می‌گذرد؛ جایی که نسل‌های متوالی از زنان در چرخه کار جنسی گرفتار شده‌اند و دختران‌شان از کودکی شاهد فرسایش مادران خود هستند.

آن‌ام با الهام از تجربه خبرنگاری‌اش در «خانه‌های شناور» (بانیشانتا)، جهانی می‌سازد که در آن استثمار، ناامنی زیست‌محیطی و پدرسالاری در هم تنیده‌اند. ورود دختری تازه‌وارد به نام «کوسوم خان» که پیش‌تر در اعتراضات علیه دیکتاتور شرکت داشته، نظم سرکوبگر جزیره را برهم می‌زند و بذریه قیام زنانه را می‌کارد. کودکان و زنان جزیره در او نشانه‌ای از رهایی می‌بینند و به تدریج به نیرویی جمعی بدل می‌شوند.

«شورش» هم‌زمان رمانی فمینیستی، سیاسی و اقلیمی است؛ داستانی درباره بلوغ، همبستگی، و تلاش برای شکستن زنجیرهای خشونت نسلی. آن‌ام نشان می‌دهد که چگونه امید رادیکال و خشم می‌توانند به نیرویی برای تغییر بدل شوند؛ نیرویی که در این روایت، مادران جرقه‌ها را روشن آن را در دست دارند.

این کتاب توسط انتشارات Canongate منتشر شده و منتقدان آن اثری پرقدرد درباره مقاومت زنان در برابر بی‌عدالتی توصیف کرده‌اند.

(منابع: جنگ خبر، بی‌بی‌سی، رادیو فردا، گاردین، مهر، آرت‌نیوز، العربیه، یورونیوز)

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: ای ان اف، بی‌بی‌سی، کلید، یورونیوز، کردستان میدیا، گاردین)

می نویسیم حتا اگر آزادی مان به بند کشیده شود گلرخ ایرایی

در آخرین وداع با نسرين عزيزم



در واپسین روزها، بر بالینش بودم و با بوسه‌ای بر پیشانی‌اش، و آخرین وداع با دوستی که بخشی از جانم بود. فقدان نسرين را به رفیق حیدر عزیز، مارال عزیز و خانواده رضائی‌ها صمیمانه تسلیت می‌گویم. داستان دوستی من و نسرين از سال ۱۳۵۴،

در زندان قصر آغاز شد؛ از همان روزهای سخت، پیوندی شکل گرفت که سالها رنج و مبارزه، آن را استوارتر کرد. نسرين مهربان بود، پرشور و سرشار از زندگی؛ زنی آزاده، مبارز و مستقل، با نگاهی انسانی که رد مهرش در دل بسیاری از ما باقی مانده است.

با وجود تفاوت‌های فکری و فراز و نشیبهای بسیار، هرگز زنجیره دوستی‌مان گسسته نشد؛ دوستی‌ای که از نوجوانی، با شور زندگی و آرمانهای بلند آغاز شده بود. ما دانش آموز بودیم در آن دوران با سن کم اما رویاهای بزرگی در سر می‌پروراندیم.

نه من و نه نسرين بیتل‌ها و جان‌لئون و ترانه «من رویایی دارم» را نمی‌شناختم. اما بعدها و به خصوص وقتی شور و شوق آزادی در خیابانهای ایران و با خروش جوانان جریان پیدا می‌کرد، من و نسرين رویاهایمان را به هم یادآوری می‌کردیم و این بار می‌دانستیم همه انسانهای متعهد رویاهای مشترک و به خصوص رویای آزادی دارند.

از رویاهای آزادیخواهانه و مقاومت او بگویم. او زندگی در زندان را مقاومت کرد و همچنان ما در دل تارکیمهای زندان، از آزادی و آینده سخن می‌گفتیم؛ از رویاهای مشترک، از روزی که درهای زندان گشوده شود و فردایی روشن‌تر فرا رسد.

ما حبس ابد داشتیم، اما رویای آزادی را در دل می‌پروراندیم. پس از انقلاب ۵۷، آن رویاها در تندباد استبداد، به اراده‌ای برای ایستادگی و مبارزه بدل شد؛ و ما همچنان، در کنار هم، این راه را ادامه دادیم.

من و نسرين با انقلاب ضد سلطنتی ۵۷ آزاد شدیم. بعد از آن در بخش پیشگام دانش‌آموزی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، در کنار هم فعالیت داشتیم؛ و در آن دوره نیز، خاطراتی عمیق و فراموش‌نشده‌ای با هم ساختیم.

اما آنچه از نسرين باقی مانده، فقط خاطره نیست؛ حضور انسانی است که با مهربانی و استواری، در زندگی ما نقش بسته است. دوستان همبندیهایی مان در این سالن هستند که مطمئن هستم خصوصیات برجسته او تایید می‌کنند.

نسرين رفت، اما آنچه به ما آموخت—دوستی، ایستادگی و انسانیت— همچنان با ماست.

برای من، نسرين فقط یک دوست نبود؛ بخشی از جانم بود، و این پیوند، با رفتنش گسسته نمی‌شود. یادش در دل من زنده است، در هر خاطره، در هر لبخند، و در هر قدمی که در راه انسانیت و آزادی برمی‌داریم.

نسرين عزیز، با تو وداع می‌کنیم، اما تو را هرگز از دست نمی‌دهیم. پنجشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ - ۲۳ آوریل ۲۰۲۶

می نویسیم برای مقابله با حذف فیزیکی انسان، نادیده انگاشتن اندیشه و حذف باور و حقوق سیاسی و ایدئولوژیک و اجتماعی. برای مقابله با حذف ارزشها و عقایدی که همواره وادار به طرد و گوشه نشینی بوده اند.

می نویسیم حتا اگر آزادی مان به بند کشیده شود. حتا اگر مورد تهدید و تحدید قرار بگیریم و وادار به تبعید و فدای جان شویم. ما این مبارزه را طی سالیان سلطه بی‌امان دیکتاتورها، زیر یوغ استثمار و ارتجاع، بر فراز کوهها، از دل جنگلها و در خیابانهای شهرهامان، در خاورمیانه شعار، با جان و خون سرودیم و نقش آفرینی کردیم.

آنگاه که «قلم» نوشتن می‌آغازد تا از رنج مردم بگوید، «نه در مرز می‌گنجد، نه در نژاد و ملیت، نه در جنس و رنگ». قلم فریاد رنجی مشترک می‌شود در برابر ستم، برای ما که در نبردی نابرابر پا به میدان گذاشتیم...

قلم فریاد می‌شود بر سفره‌های بی‌نان. فریاد می‌شود بر زبان مادرانِ اندوه، آنگاه که جنازه‌های آن سرداران رشید را بر اربابه‌های مرگ به سوی گورهایی بی‌نشان اشک می‌ریزند.

فریاد می‌شود با کودکان فلسطین، آنگاه که خشم اشغال را در کوله‌بار آوارگی بر دوش کشیدند و رویاهای شان با خاکستر بجای مانده از درختان زیتون سوخته از کین دژخیم، دود شد و به هوا رفت. فریاد می‌شود در آن آخرین نگاه ترسیده دختران میناب، در غبار و خون و گیسهای آشفته ماسیده بر گردنهای تحیف شان.

فریاد می‌شود در دادخواهی ماه منیر مولایی راد، مادر کیان پیرفلک، آنگاه که از میان بازی کودکانه کیان، فرزند کشته شده‌اش در اعتراضات ایزده، آندوهی بی‌پایان را به یاد می‌آورد و می‌نویسد ظلم پایدار نیست و ظالم به سزای عملش خواهد رسید.

قلم فریاد می‌شود بر هر رنجی و بر هر ستمی در هر گوشه جهان و اگر جز این و به مصلحت بچرخد، رسالت خود را فرو گذاشته است.

و شما عزیزانم که قلبهاتان برای افشای حقیقت می‌تپد و دغدغه‌تان بی‌دغدغه نوشتن از واقعیت است، شما که «قلم» و مبارزه در راه برابری و رهایی را گرامی می‌دارید، تلاش آگاهانه و مسئولانه‌تان برای مردم تحت ستم که برای «حق» می‌جنگند، انعکاس صدای بی‌صدایان خواهد بود.

ما از خفگی رها خواهیم شد و می‌دانیم این جز در حرکتی مشترک میسر نخواهد بود.

برای برقراری عدالت و برابری - تا رهایی بشر از اختناق و انقیاد حاکمان

گلرخ ایرایی اردیبهشت ۱۴۰۵ بند زنان زندان اوین



انجمن قلم امریکا: گلرخ ابراهیمی ایرانی، نویسنده و مدافع حقوق بشر، از زمان نخستین دستگیری‌اش در سال ۲۰۱۴، با چرخه‌ای از آزادی و بازداشت مجدد روبه‌رو بوده است. ایرانی که در حال حاضر مشغول گذراندن یک حکم حبس پنج‌ساله در زندان اوین است، به عنوان یکی از دو برنده مشترک جایزه آزادی قلم «پن/یاری» در سال ۲۰۲۶ انتخاب شده است.

متن نامه گلرخ ایرایی

از راهی دور به شما که برای گرامی‌داشت «آزادی نوشتن» در کنار هم ایستاده‌اید، سلام می‌گویم. از جهانی که در آن حقایق مجال آشکار شدن ندارند و شکستن اختناق و انقیاد، نه یک حق ساده، بلکه در رویارویی با حاکمانی که منافع‌شان با ترسی که بر زبان و عمل سایه می‌اندازد میسر می‌شود.

اینجا بی‌پروا نوشتن از رنج مردمانی که ستم را به پیکار برمی‌خیزند، مجرمانه است و «آنان که با قلم تباهی درد را به چشم جهانیان پدیدار می‌کنند»، در سکوت فرسوده می‌شوند و مجرم‌اند و سزاوار محاکمه!

نوشتن از رنج مردم تحت ستم، از فقر و نابرابری و سرکوب و کشتار سیستماتیک - که همواره بخشی از زندگی مان بوده است - اگرچه بی‌دغدغه نیست، اما روزنه‌امیدی است بر انگیزه مبارزه و محرکی خواهد بود بر غلیان خشم مردمی که خفگی را زندگی می‌کنند و خروش خشم آگاهانه و هدفمندشان، به گواه تاریخ، تنها شیوه‌ی برچیدن ستم خواهد بود.

ارتجاع حاکم، آزادی اندیشه و جسارت بیان را برنمی‌تابد، آنگاه که «قلم» بر چوبه‌های دار افراشته حمله می‌برد و از فقر و نابرابری روایت می‌کند و بازتابی می‌شود از سفره‌های خالی و قیام‌گرسنگان را نوید می‌دهد. پس به شکستن قلم ایستادند.

«قلم» که واقعیت تلخ موجود را به افق روشن فردا

پیوند می‌زند و سکوت را که از سرکوب بی‌امان بیش از یک قرن سلطه «شیخ و شاه» به آن وادار می‌شویم، با آگاهی اجتماعی، آگاهی سیاسی و آگاهی طبقاتی که رهایی بخش محرومان و توده‌های تحت ستم است، در هم می‌شکند.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 502 /22 May 2026

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe>

شهیدان فدایی در خرداد ماه

یادواره شهیدان فدایی

فدایی شهید رفیق حسن نیک داوودی

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی



رفیق حسین موسی دوست دموچالی

رفقا: حسن نیک داودی - امیرپرویز پویان - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علی رضا شهاب رضوی - خسرو تره گل - حسین سلامی - مینا طالب زاده شوشتری - علی رضا رحیمی علی آبادی - حسین موسی دوست دموچالی - رفعت معماران بناب - سلیمان پیوسته حاجی محله - سعید معینی - نعمت باشخور چوبه دار - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - شهرام میرانی - اسماعیل هادیان - مهدی پهلوان - محمدرضا محمدیان باباعلی - حمید میرشکاری - ولی سوسنی - محمدحسن کاویانی - منوچهر اویسی - مهنوش آذریون (آذریان) - جواد باقری (مهرداد) - اقبال اصلانی - توفیق رجب پور - فرزانه اکبری حاجی نظر - رمضان علی دلسوز مقدم - محمد رضا علیمندی - شاپور جلیلی کمندشهر (کهنه شهری) - محمود مستعان - جهانگیر (بهمن) طالبی بیگلو - مهرداد نیعی - محمد رضا فرجامی، مختار نیک نژاد، حمید میرشکاری، رضا زارع و ... طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

رفیق حسن نیک داوودی در اردیبهشت ۱۳۴۹ در یک ارتباط جنبی با گروه فلسطین توسط ساواک شاهنشاهی دستگیر و به شدت شکنجه شد.

شکنجه های ساواک تا حدی شدید و آسیب زنده بود که وضعیت جسمی رفیق نیک داوودی بحرانی شد. ساواک برای پیشگیری از هر حادثه ای او را از زندان قزل قلعه به زندان قصر منتقل کرد. رفیق نیک داوودی در دستشویی بند ۳ زندان قصر در اثر یک ایست قلبی یا مغزی جان می سپارد.

نام رفیق حسن نیک داوودی اولین بار در دفاعیه رفیق شهید شکرالله پاکنژاد (شکری) در بیدارگاه نظامی حکومت پهلوی مطرح شد. رفیق شکری ضمن دفاع جانانه در آن فضای به شدت امنیتی از رفیق حسن نیک داوودی را به عنوان کسی که زیر شکنجه بازجویان تا سرحد مرگ شکنجه شده نام برد. مراسم خاکسپاری رفیق نیک داوودی با شکوه بی سابقه انجام گرفت.

منابع: دفاعیات رفیق شکرالله پاکنژاد، خاطرات ناصر رحیم خانی



رفیق حسن نیک داوودی در سال ۱۳۱۸ در شهر انزلی به دنیا آمد. وی در دوران تحصیل دبیرستان با رفقا بهمن آژنگ و احمد زبیرم همکلاس بود. پس از دبیرستان وارد دانشکده پلی تکنیک تهران (امیر کبیر کنونی) شد و در رشته مهندسی برق فارغ التحصیل شد.

رفیق حسن نیک داوودی طی دوران فعالیت‌های دانشجویی با محافل و هسته های سیاسی چپ به ویژه با رفقایی از این دانشکده که در آفرینش حماسه سیاهکل نقش مهم داشتند آشنا شد.



نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم